



رادیو همیشه زنده است

ویژه سیزدهمین جشنواره بین المللی رادیو

صفحات ۸ تا ۱۵

روی دیگر بازیگری برای تلویزیون

مهدی غلامحیدری

یکی از شبکه‌های سیما مسابقه‌ای طراحی کرده که این روزها آنونس آن با حضور چهره‌های مختلف سینما، تئاتر و تلویزیون کشور بخش می‌شود، مسابقه‌ای که بسیاری از علاقه‌مندان عالم بازیگری احتمالا منتظر آن بوده‌اند و قرار است مشخصا به عالم بازیگری و فنون آن بپردازد.

نمی‌خواهیم به ماهیت این مسابقه بپردازیم و درباره چستی آن صحبت کنیم که این خود به مجال دیگری احتیاج دارد، بلکه می‌خواهیم درباره ماهیت بازیگری در رسانه‌های مانند تلویزیون - بخصوص تلویزیون ما - و تربیت بازیگر مختص این مديوم رسانه‌ای تا آنجا که مجال هست، بپردازیم.

اول این که تلویزیون همان طور که صدابردار، تصویربردار و... تربیت می‌کند باید بازیگر هم تربیت کند و این بازیگر باید سال‌ها در تعهد رسانه باشد.

اکنون رسانه پله‌ای شده برای ارتقای بازیگران از صفحه کوچک تلویزیون به پرده بزرگ سینما. حتی می‌شود گفت نه فقط تلویزیون کمترین نفعی از این معامله نمی‌برد که اتفاقا متضرر بزرگ هم اوست زیرا

معمولا بازیگری که پایش به پرده بزرگ سینما برسد به همان اندازه هم اندازه توقعاتش بزرگ و گاه عجیب می‌شود تا آنجا که بعضی اوقات دیگر شاید کمتر راجع

شود به خانه اولش، یعنی تلویزیون برگردد. تلویزیون باید بیش از اینها به تربیت بازیگر برای حضور در آثار مختلفش متمرکز شود و این تربیت البته باید به همراه تعهد باشد؛ به این معنی که همان طور که رسانه زمینه

بروز و ظهور استعدادهای یک بازیگر را فراهم می‌کند و او و هنرش را به مخاطب میلیونی جامعه معرفی می‌کند باید این امکان را نیز بوجود آورد تا چنین بازیگری تعهد متقابل به رسانه داشته باشد. اگر چنین اتفاقی بیفتد می‌توان امیدوار بود که رسانه بتواند گام‌های مطمئن و بلندتری در عرصه هنرهای نمایشی بردارد.

شاید بگویید که اینها چه ربطی به ارتقای آثار نمایشی تلویزیون دارد و اساسا رسانه چگونه می‌تواند با این تمهید گام‌های بلندی در عرصه نمایش بردارد؟

نکته دقیقا همین جاست. در سال‌های گذشته تلویزیون طرح‌های بلندپروازانه‌ای در تولید سریال و بخصوص انواع و اقسام تله‌فیلم داشته است، اما باید گفت که این حرکت در برابر آنچه رسانه برای انجام آن هزینه کرده و وقت گذاشته، کمتر دیده شده است.

وقتی بخش عمده بودجه یک تله‌فیلم فقط به چند بازیگر اختصاص می‌یابد و در مقابل سهم مادی و معنوی کسانی که بسیار بیشتر از بازیگر در شکل‌گیری اثر نقش داشته‌اند، آن قدر مهجور است که اصلا به چشم نمی‌آید، طبیعی است که ادامه این وضع نمی‌تواند به خلق آثار

تاثیرگذار و ماندگار بیش از این منجر شود. کمترین تاثیر استفاده از بازیگران «مختص تلویزیون» این است که برای خیلی از جوانان ایجاد انگیزه می‌کند که در یک میدان رقابتی صحیح از سوی یک رسانه که امکان تولید و پخش آثار مختلف را دارد، «هنرشان» را عرضه کنند. همچنین عدالت در تقسیم بودجه یک اثر بین عوامل بیش از پیش نمود پیدا می‌کند

و باعث می‌شود بخش‌های دیگر تولید یک فیلم یا سریال مثل فیلمنامه‌نویس و طراح صحنه با انگیزه‌تر از قبل حاضر شوند.

حتی اگر به دوران طلایی سینما هم نگاه کنیم، باز می‌بینیم که در آن دوران هر کمپانی فیلمسازی تعدادی از هنرپیشه‌های طراز اول را در اختیار داشت که فقط در فیلم‌های آن کمپانی ظاهر می‌شدند یا با صلاحیت آنها در آثار کمپانی‌های دیگر ظاهر می‌شدند

و این باعث می‌شد که فیلمسازان با خیال راحت به در اختیار داشتن فلان بازیگر، سناریوی اثر را بنویسند و به مراحل تولید فکر کنند؛ تقریبا همان چیزی که امروز درباره بازیکنان فوتبال شاهد هستیم که هر بازیکنی در

یک زمان مشخص به یک تیم تعهد دارد.

آن مرد با دو چرخه آمد



همه ما از او خاطره داریم. او از آنهایی است که تقریبا هیچ وقت نقش اول نبوده، اما همیشه یک پای ثابت جذابیت آن اثر بوده است از «هزار دستان» و «مادر» زنده‌یاد علی حاتمی بگیرد تا «آرایشگاه زیبا» و «قصه‌های تابه‌تا» و «کتابفروشی هدهد». اتفاقات سریال‌های چند سال گذشته تاثیر مستقیم بر زندگی حرفه‌ای او داشته است تا آنجا که نتوانسته در این چند سال در آثار مورد علاقه‌اش ظاهر شود.

هر چند خودش یکی از علت‌های آن را نبود فیلمنامه خوب می‌داند. محمود بصیری از جمله هنرمندانی است که خیلی به مد و چیزهایی از این دست اهمیت نمی‌دهد، چرا که هنوز برای تردد در سطح شهر، از دو چرخه قدیمی‌اش استفاده می‌کند و اتفاقا آن را هم خیلی دوست دارد.

خودش در این باره به ایسنا می‌گوید: خوشحالم از این که ماشین ندارم و با دو چرخه به همه‌جا می‌روم. مگر همه باید ماشین داشته باشند تا به کارهایشان برسند. من با همین دو چرخه همه‌جا را می‌گردم. البته این بازیگر شناخته شده حوزه سینما و تلویزیون ظاهرا قصد دارد از این به بعد در حوزه «سیاه‌بازی» متمرکز شود.

تفاوت دستمزد بازیگران سینما و تلویزیون



سعید سلطانی از جمله کارگردانانی است که خیلی کم به حواشی می‌پردازد، اما وقتی بحثی مانند دستمزد بازیگران در میان باشد، البته که اظهار نظر می‌کند؛ هر چند ممکن است خیلی‌ها از نظر او خوششان نیاید.

کارگردان سریال ستایش درباره دستمزد بازیگران سینما و تلویزیون به برنا گفته است: «مساله دستمزدها در سینما و تلویزیون

تفاوت‌های بسیار عمیقی دارد. این قیمت‌های نجومی در تلویزیون یک آفت شده است به طوری که برای ساخت یک تله‌فیلم حدود مبلغی بالغ بر ۱۲۰ میلیون تومان در نظر گرفته می‌شود و حدودا به یک بازیگر در این دست از طرح‌ها یک‌دوم کل پول پروژه پرداخت می‌شود. همین موضوع سبب می‌شود که دستمزدها ناخواسته بالا برود و این افزایش به مراتب در دیگر افراد نیز بسیار تاثیرگذار خواهد بود.

با این روند، فشار زیادی بر تلویزیون وارد می‌آید، اما در سینما خلاف این داستان در جریان است، چون سینما محل سرمایه‌گذاری است و دست‌اندرکاران یک پروژه سینمایی ماحصل کار خود را در فروش گیشه جستجو می‌کنند. چون هر چه هم بازیگری پول خوب بگیرد، اما اگر فروش یک فیلم سینمایی راضی‌کننده نباشد یا اگر آن فیلم خوب دیده نشود، فشار بسیار سنگینی به بدنه سینما وارد می‌شود.»

بار دیگر مرد هزار چهره



خبرهایی می‌رسد که حضور مهران مدیری را در تلویزیون جدی‌تر می‌کند. این هنرمند حوزه طنز بعد از عرضه آخرین کارش در شبکه نمایش خانگی، قصد دارد فرمان را به طرف تلویزیون بگیرد و اثری را در شبکه تهران جلوی دوربین ببرد.

خود این خبر برای بسیاری از پیگیران آثار مدیری یک اتفاق خوب محسوب می‌شود که می‌تواند آنها را امیدوار کند هنرمند مورد علاقه‌شان را از این به بعد در تلویزیون خواهند دید.

به هر حال مدیری جزو آن دسته از هنرمندانی است که به تنهایی این قابلیت را دارند که موج خبری قابل توجهی در رسانه‌ها و البته در جامعه به وجود آورند. آن طور که سعیدعباس فاطمی، مدیرکل طرح و برنامه معاونت سیما گفته، طنز جدید مدیری در سه فصل ۳۰ دقیقه‌ای آماده خواهد شد و هنوز نامی برای آن انتخاب نشده است.

هنوز خیلی‌ها با آثار طنز این هنرمند مثل «شب‌های برره»، «پاورچین» و «مرد هزار چهره» خاطره دارند و بعید است به این زودی‌ها خاطره چنین آثاری از ذهن مخاطب پاک شود.

اگرچه کار او در شبکه نمایش خانگی با اوج و فرودهایی همراه بود، اما به نظر می‌رسد او بار دیگر به تلویزیون آمده تا همه خاطرات خوب گذشته را دوباره تکرار کند.

اسمش نسیمه، ولی توفان می‌کنه



شبکه نشاط و سرگرمی

این روزها شبکه نسیم تلاش می‌کند چند برنامه جدید و البته تولیدی را برای پخش آماده کند.

یکی از آنها «خندوانه» است که توسط رامبد جوان در این شبکه آماده می‌شود و آن طور که از آنونس‌هایش پیداست، قرار است مخاطبان در آن حضور فعالی داشته باشند و به نظر می‌رسد یکی از بزرگ‌ترین اهداف ساخت این برنامه خنداندن و سرگرم کردن مخاطب باشد.

امیر غفارمنش هم قرار است با برنامه «شب کوک» به شبکه نسیم بیاید. خودش در این باره به ایسنا گفته است: شب کوک یک برنامه تقریبا فان برای شبکه نسیم است که اکنون در حال ضبط است و روی آنتن می‌رود.

شب کوک برنامه‌ای است که زبیربنای موسیقایی دارد، اما در کنارش گفت‌وگو با هنرمندان، ورزشکاران و خوانندگان را نیز خواهیم داشت، به همین دلیل می‌تواند برنامه فانی باشد، اما لحظات درامی را هم همراه خواهد داشت. بجز این دو هنرمند ظاهرا رضا رشیدپور هم با برنامه تازه‌ای به نام عینک آفتابی به شبکه نسیم می‌پیوندد.

لاله صوری، فریبا نادری، پرستو صالحی، احمد پورمخبر و یوسف صیادی از بازیگران این برنامه طنز هستند.

می‌خواستیم سینما را فتح کنیم



جزو بازیگران فعال تلویزیون و تئاتر در سال‌های اخیر است. تقریبا می‌شود گفت پای ثابت آثار طنز تلویزیون در این سال‌ها بوده است. بهاره رهنما برای رسیدن به موقعیت فعلی - مانند خیلی از بازیگران دیگر - راه درازی را طی کرده است. خودش در این باره به هفته نامه سلامت گفته است: هفده ساله که بودم، آمدم تا سینمای ایران را فتح کنم.

آنقدر انرژی داشتیم که همه دوستانم می‌گفتند تو با این انرژی و با این دودن‌ها و تلاش‌های مدام یک روز کم می‌آوری و می‌میری! امروز خسته‌ام واقعا... اما با وجود این هنوز هم تلاش می‌کنم، ولی مساله و آرزوی من این نبوده است که تصویر و بازی من در دنیا منتشر شود؛ اما اگر قرار است آرزویی داشته باشم، آن آرزو حتما این خواهد بود که روزی داستان‌هایم در جهان منتشر شوند. دوست دارم در جهان حرف بزنم. دوست دارم این حس زن ایرانی در دنیا منتشر شود، علاقه و آرزوی من این است که تصویر زن را ترسیم کنم و از وقتی کتابم منتشر شده است، دارم به این آیه قرآن - «ن والقلم و ما یسطرون» - فکر می‌کنم که واقعا مرا به درک خودش بیشتر نزدیک کرده است.

سریال‌های ماه رمضان



خیلی خوب است که چند ماه مانده به ماه رمضان شبکه‌های مختلف سیما می‌دانند کدام سریال را به عنوان سریال ماه رمضان خود به آنتن خواهند سپرد. شبکه یک سیما امسال با «مدینه» به کارگردانی سیروس مقدم مهمان خانه‌ها خواهد بود. مقدم به‌واسطه

پیشینه‌اش در ساخت سریال و این که مخاطب این رسانه را بخوبی می‌شناسد، کارگردان شناخته شده‌ای است و انتظار می‌رود این آخرین ساخته مقدم باز هم جزو پر مخاطب‌ترین آثار تلویزیون باشد. سریال «هفت سنگ» و «شمعدونی» هم برای شبکه سه سیما آماده می‌شود که اولی را علیرضا بذرافشان کارگردانی کرده و دومی هم توسط سروش صحت کارگردانی می‌شود که هر دو سریال موضوعی اجتماعی را دستمایه کار قرار داده و از بازیگران شناخته شده‌ای نیز سود می‌برند. یکی دیگر از سریال‌هایی که برای پخش در ایام ماه رمضان جلوی دوربین رفته است، «جاده قدیم» بهرام بهرامیان است که در مرکز سیمافیلم ساخته می‌شود و البته هنوز معلوم نیست قرار است از کدام شبکه به آنتن پخش سپرده شود. با توجه به سابقه کارگردانی که ساخت سریال‌های ماه رمضان را به عهده گرفته‌اند، به نظر می‌رسد امسال شاهد یکی از پر بارترین سریال‌های رضوانی باشیم.

نگاهی به عملکرد تلویزیون در نمایش زندگی معلولان روایت بیمه‌ها و امیدها

سحر مظفری

خانم نایبایی می‌خواهد سوار اتوبوس شود، اما نمی‌تواند، مردم هم هر چه تلاش می‌کنند، موفق نمی‌شوند به او کمک کنند، چون علاوه بر نایبایی، پایش هم مشکل دارد و نمی‌تواند آن را روی پله اتوبوس بگذارد. هیچ کدام از وسایل نقلیه عمومی چه صد درصد برای سالمندان و چه برای معلولان مناسب نیستند، در نتیجه درهای اتوبوس بسته می‌شود، بی‌آن که خانم معلول سوار شده باشد. این تصویری است که خیلی وقت‌ها با آن مواجهیم و هر روز هم تکرار می‌شود.

هر سال در روز ۱۲ آذر که روز جهانی معلولان است، خبرهایی درباره معلولان و مشکلات آنها منتشر می‌شود و بعد از مدتی فراموش می‌شوند. چیزی که بسیاری از معلولان بر آن تاکید کرده و بر کوتاهی عمر حرف‌های مسئولان درباره مشکلاتشان صحه می‌گذارد.

رادیو و تلویزیون هم به عنوان رسانه‌ای فراگیر با این که برنامه‌هایی را درباره معلولان پخش می‌کند، اما اگر پای درددل معلولان بنشینید آن را ناکافی می‌دانند؛ چراکه توقع افراد معلول از رسانه ملی در ساخت برنامه‌های تلویزیونی این است که با ما برای ما تصمیم بگیرند.

پررنگ‌تر از گذشته

معلولان یکی از گروه‌های اجتماعی هستند که تعدادشان کم نیست و مثل بقیه مردم حقوق شهروندی دارند، اما حقوق آنها آن طور که باید، رعایت نشده، اما نقش رسانه ملی در احقاق حقوق آنها و نمایش آن بسیار مهم و موثر است. صدا و سیما چند سالی است که با قرار دادن زبان اشاره برای ناشنوایان در کنار صفحه تلویزیون تا حدودی برای احقاق حقوق آنها تلاش کرده است.

برنامه در شهر که از شبکه پنج سیما پخش می‌شود، هم گاهی به میان معلولان می‌رود و موفقیت‌ها یا مشکلاتشان را در فضای شهری پوشش می‌دهد و علاوه بر اینها همفکری‌هایی را هم با سازمان بهزیستی انجام می‌دهد، اما به عقیده بسیاری تاثیر این همکاری‌ها در ساخت برنامه‌های مناسب درباره معلولان آن طور که باید دیده نمی‌شود، چراکه برنامه‌سازان برنامه‌هایی می‌سازند که متناسب با نیازهای این قشر نیست، تصویرشان یا سیاه و سفید است یا ساکن و غیرپویا.

اما اگر بخوایم با نگاهی منصفانه به قضیه نگاه کنیم، سهم افراد معلول نسبت به گذشته از رسانه‌های همگانی بیشتر شده است؛ معلولان حضور فعال‌تری در شبکه‌های تلویزیونی دارند و بخصوص از جنبه موفقیت‌های ورزشی

و مشخصا مسابقات پارالمپیک، بیشتر مورد توجه رادیو و تلویزیون قرار گرفته‌اند؛ اما به نظر بیشتر آنها، وضع موجود هنوز مطلوب نیست، هم به لحاظ میزان یا کمیت حضور افراد معلول در رسانه‌ها و هم به لحاظ کیفیت حضور و شیوه نشان دادن آنها در رسانه‌ها.

هنوز بسیاری از کارگردانان و برنامه‌سازان از مشارکت افراد معلول در تولید محصولات خود سر باز می‌زنند و حتی با این موضوع بیگانه‌اند. در بسیاری از فیلم‌ها معلولیت کلیشه‌ای به تصویر کشیده می‌شود یا به آن از زاویه کار خیر، ترحم، فقر و بدبختی پرداخته می‌شود یا از جنبه شیطانی، فرشته‌ای، عاقبت شوم و مجازات.

رسانه‌ای برای معلولان

اگر پای صحبت معلولان بنشینید، می‌گویند هیچ کسی به اندازه خود فرد دارای معلولیت نمی‌تواند آن طور که باید و شاید تصویر معلولیت در رسانه‌ها را نشان دهد. بسیاری معتقدند معلولان هم شبکه و رسانه‌ای می‌خواهند تا از یک طرف مسائل و مشکلاتشان را نشان دهد و از طرفی برایشان برنامه‌سازی کند، اخبار آنها را پوشش دهد، به میانشان برود و پای صحبت‌هایشان بنشیند، حتما هم لازم نیست عمومی شود یا مورد استقبال قرار بگیرد، چراکه مردم عموماً معلولیت را مثل شستری می‌بینند که جلوی در همسایه می‌خوابد، یعنی این موضوع را مساله جدی زندگی خود نمی‌دانند و بیشتر تصور می‌کنند که این وضع، مختص عده یا قشری خاص از جامعه است و خیلی به آنها مربوط نیست.



ناصر شهریار بازیگر سریال وضعیت سفید



بچه‌های ابدی



حوض نقاشی



خواب‌های دنباله‌دار

تصویر معلولیت در فیلم‌ها و سریال‌ها

سریال‌ها و فیلم‌هایی که در آنها معلولان نقش محوری داشته باشند یا از معلولان به عنوان یکی از بازیگران اصلی استفاده شود، انگشت شمارند. نمونه موفق این سریال‌ها که از یک بازیگر معلول نیز در آن استفاده شد، سریال «وضعیت سفید» به کارگردانی حمید نعمت‌الله است که ناصر شهریار بازیگر معلول آن مدتی قبل کارگردانی اولین فیلم کوتاه خود ۲۴ ساعت مرخصی را تمام کرد. دیگر نمونه موفق این سریال‌ها سریال «مشق عشق» به کارگردانی بهرام بهرامیان است که داستان زنی به نام الهه را روایت می‌کند که شوهرش در اثر سانحه تصادف هر دو پایش فلج می‌شود و چون بازیکن والیبال است، پس از این سانحه دچار مشکلات روحی می‌شود. این سریال گرچه تصویر تلخی از معلولیت ارائه می‌کند، اما بخشی از مشکلات معلولان و اطرافیان آنها را به تصویر می‌کشد و باعث می‌شود تا این مشکلات برای بیننده هم ملموس شود.

روی دیگر سکه فیلم‌های سینمایی هستند که موضوع اصلی‌شان به جانبازان و معلولان جنگ تحمیلی اختصاص پیدا می‌کند و بارها هم از تلویزیون پخش شده‌اند. «از کرخه تا راین» به کارگردانی ابراهیم حاتمی کیا، «بید مجنون» و «رنگ خدا» به کارگردانی مجید مجیدی از فیلم‌هایی هستند که بخوبی تصویر تازه‌ای از ندای معلولان و علایق آنها را نشان می‌دهد. قهرمان هر سه فیلم نایباییانی هستند که دنیا از پشت چشم‌های نایبایشان رنگ و بوی دیگری دارد. از کرخه تا راین

داستان سعید است که بر اثر بمب‌های شیمیایی نابینا شده و برای درمان عازم آلمان می‌شود و در آنجا به واسطه ملاقات خواهرزاده‌اش اتفاقات دیگری برایش می‌افتد. در بید مجنون داستان مردی روایت می‌شود که پس از سال‌ها، طی عمل جراحی که در خارج از کشور انجام می‌دهد، بینایی‌اش را به دست می‌آورد و برای دیدن دوباره رنگ‌ها، امید دوباره‌ای پیدا می‌کند، اما پس از به دست آوردن بینایی، دنیا پیش چشمانش متفاوت از گذشته می‌شود. در فیلم رنگ خدا، «محمد» نماد افراد کم‌شماری است که حقایق اطرافش را بیش از آنچه ببیند، حس می‌کند و پدر محمد نماینده آدم‌هایی است که سختی‌ها چشم دلشان را کور کرده و از دیدن ساده‌ترین زیبایی‌ها ناتوانند.

نمونه جدیدتر این فیلم‌ها فیلم «حوض نقاشی» به کارگردانی مازیار میری است که نوروز امسال نیز از تلویزیون پخش شد. در حوض نقاشی کارگردان با نگاه و روایتی تازه داستان زندگی زن و شوهری را روایت می‌کند که هر دو مشکل جسمانی دارند، اما سعی می‌کنند ضعف‌هایشان را نادیده بگیرند و عاشقانه زندگی کنند و به قول کارگردان فیلم قهرمانان زندگی باشند.

درست است که تعداد فیلم‌ها و برنامه‌هایی که درباره معلولان ساخته می‌شود، انگشت شمار است، اما چیزی که واضح است این که بسیاری از آنها از نمایش کلیشه‌ای زندگی فرد ناتوان یا تصویر اغراق شده توانایی‌هایشان چندان دل خوشی ندارند و به دنبال نگاه تازه‌ای هستند، روایتی که خود زندگی است.

نگاه کارگردان

زندگی در کنار مردمان واقعی

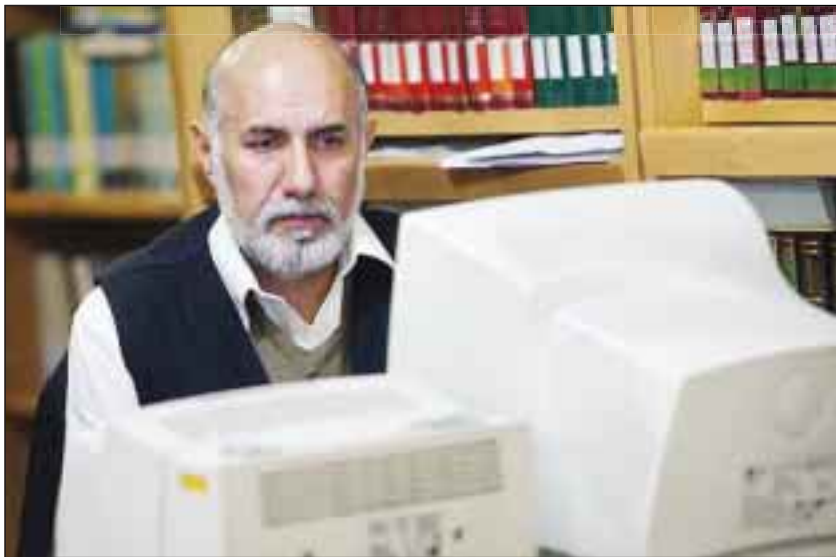


پوران درخشنده از اولین کارگردانی است که فیلم‌هایی همچون «پرند» کوچک خوشبختی»، «بچه‌های ابدی» و «خواب‌های دنباله‌دار» را با موضوع معلولان ساخته است. فیلم‌هایی که تاکنون جوایز زیادی را در جشنواره‌های داخلی و خارجی کسب کرده‌اند. او درباره این که چرا در فیلم‌هایش سراغ آنها رفته است و چگونگی فیلم ساختن درباره آنها می‌گوید: برای این که معلولان نادیده گرفته می‌شوند و برای جامعه شناخته شده نبودند. در کنار ما زندگی می‌کنند بدون این که آن طور که باید دیده شوند. فیلم‌های من درباره معلولان در حقیقت ادای دینی به ناشنوایان و بخصوص جبار باغچه‌بان است. وقتی شروع به ساخت این فیلم‌ها کردم به همراه دکتر شکیبایی که روان‌شناس است به کلاس‌های ناشنوایان و به منازل آنها می‌رفتم تا از نزدیک به شناختن نسبت به معلولان برسیم. در نتیجه تحقیقات هدمند و زمان گذاشتن و شناختن ناشنوایان بازیگران فیلم‌هایم را از بین آنها انتخاب کردم تا فضای فیلم ملموس‌تر و واقعی‌تر شود، در حقیقت انتخاب بازیگران فیلم از بین ناشنوایان روی زندگی آنها تاثیر مثبتی داشت و از طرف دیگر باعث شناخت ناشنوایان و روحیات آنها برای دیگران شد. درخشنده که اخیراً فیلم «هیس، دخترها فریاد نمی‌زنند» را بر پرده

سینماها داشته درباره فیلم ساختن درباره معلولان می‌گوید: معلولان از اعضای این جامعه هستند و در کنار ما زندگی می‌کنند بنابراین باید مثل مردمان واقعی به آنها پرداخته شود و جدا از مشکلات آنها به جذابیت‌های زندگی‌شان نیز در فیلم‌ها توجه شود.

این کارگردان درباره پرداختن به مسائل معلولان در تلویزیون می‌گوید: تلویزیون به عنوان یک دانشگاه عمومی باید بستر مناسب را برای دیده شدن همه گروه‌ها و اقشار فراهم کند و به کسانی مثل هنرمندان که توانایی فرهنگی بسیاری دارند فرصت و امکانات مناسب برای برنامه‌سازی درباره همه اقشار چه معلولان و چه معاندان و چه گروه‌های دیگر را بدهد. در حال حاضر فیلم‌ها و برنامه‌های مختص معلولان در روزهای بخصوصی مثل روز جهانی معلولان و هفته معلولان نمایش داده می‌شود، در صورتی که باید همیشه برنامه‌سازی و فرهنگ‌سازی کنیم و اشکالات موجود در جامعه را مثلاً برای فردی که با ویلچر تردد می‌کند و با مشکلاتی در سطح جامعه و فضای شهری مواجه است، نمایش دهیم و بستر لازم را برای فیلم‌سازی که به بهترین شکل می‌تواند این موضوعات را نمایش دهند، فراهم کنیم.

امضای هنرمند پای اثرش ثبت می شود



محله می گذاشت، پیگیری می کردند. متأسفانه حالا این دلسوزی‌ها کم رنگ شده است.

تجربید ما را به غار تنهایی خودمان برده است. کسی به فکر کسی نیست. دلسوزی‌ها هم به پای سرک کشیدن و کنجکاو می گذاشته می شود. اگر شما الان به یکی از دوستان قدیمی تان بی مقدمه زنگ بزنید، سریع می پرسد کاری داری؟ بارها این موضوع برای من اتفاق افتاده و من همیشه در جواب می گویم: هیچی می خواستم صدات رو بشنوم مگه حتما باید کاری داشته باشم که زنگ بزنی؟! در گذشته همگی دور یک سفره در خانه جمع می شدیم، خانواده جایگاه ویژه‌ای داشت. سفره حرمت داشت. در مثال هایمان اشاره می کردیم: حیف که نون و نمکتو خوردم یا می گفتیم سر سفره پدر و مادر، بزرگ شده یا حیف که سر سفرهات هستم، اما الان متأسفانه به علت مشغله خانواده‌ها از لحاظ اقتصادی کمتر پای یک سفره در یک زمان خاص جمع می شوند و از نعمت خرد جمعی بی بهره می مانند. همین مساله باعث می شود آنان هر چه بیشتر از هم فاصله بگیرند و خانواده مفهوم و معنای واقعی خود را از دست بدهد. خانه، تنها سرپناهی برای استراحتمان شود و نه جایگاهی برای ارتقا و تعالی معنوی و روحی مان.

به عنوان کارگردان خط اگر بخواهید سکانس‌های برتر مجموعه تان را نام ببرید، به کدام‌ها اشاره می کنید؟

من چند سکانس را خیلی دوست دارم؛ قسمت دوم سریال که حاج رئوف پس از بازگشت از سفر حج، اقامه نمازش را نیمه کاره رها می کند و انگشتر پدر سیاوش را که نماد خودسازی است، به او هدیه می دهد. همچنین سکانسی که سیاوش از ازدواج موقت مادرش مطلع شده چادر او را چنگ می زند و با چشم گریان دیالوگ می گوید را بسیار می پسندم. ضمن این که همه سکانس‌های سیاوش با کارتون خواب و دیالوگ‌های پر رمز پهلوان را که انصافاً هنرمند محترم جناب آقای طهمورث بخوبی ایفای نقش کرده است، هم بسیار دوست دارم.

آیا قرار است کار جدیدی بسازید؟

طرحی طولانی نوشته‌ام. امیدوارم شرایط مناسب برای ساخت آن فراهم شود.

داستان آن چیست؟

تلاش و سختکوشی یک زن ایرانی در سه فصل از زندگی را قرار است به تصویر بکشیم. در واقع داستان صبوری قهرمان قصه است که زیما نام دارد.

... و کلام آخر؟

دعا برای تمام آنهایی که برای فرهنگ این مرز و بوم زحمت می کشند و دیده نمی شوند و مثل ریشه می مانند. ریشه همان گلی است که به شهرت پشت کرده. این هم تفاوت بازیگر و نویسنده است. نویسنده برخلاف بازیگر دیده نمی شود، اما هست و در جلسه برآورد از همه مظلوم تر نویسنده سریال است.

پاسخ این سوال در واژه اعتماد مدیران به هنرمند نهفته است.

چه ملاک‌هایی را در انتخاب بازیگران سریال مد نظر داشتید؟

چیدمان بازیگران برمی گردد به تجربه‌های قبلی من در عرصه تئاتر. سعی می کنم افرادی را به کار دعوت کنم که سابقه تئاتری داشته باشند.

زیرا معتقدم بچه‌های تئاتری حتی اگر گویی به تن کنند، شاه لیبر را طوری بازی خواهند کرد که تو با تمام وجود باور کنی. شالوده بازیگری یعنی باور از سوی دیگری. هنرمندان تئاتر با عشق سر صحنه حاضر می شوند، فکر و انگیزه دارند، با تو بحث می کنند، آنان بله قربان گوی کارگردان نیستند، نویسنده و کارگردان را به چالش می کشند، در نتیجه حاصل کار هم خوب می شود، با کامران تفتی، آشا محرابی و لیلا برخورداری ساعت‌ها بحث داشتیم. خانم جدیکار و آقای پاک‌نیت هم که جای خودشان را دارند.



با توجه به این که نویسندگی خط را هم خود به عهده داشتید، برآیند تان از قصه این مجموعه چیست؟

من در این سریال نه درباره فرشته قصه می گویم و نه شیطان. قصه من درباره آدم‌های خاکستری است که هم اشتباه می کنند و هم کارهای پسندیده انجام می دهند، پشیمان می شوند، گریه می کنند خلاصه مثل شما، مثل من و مثل بسیاری از افراد دیگر هستند. به یکی از دیالوگ‌های سریال اشاره می کنم: «صدف تو آن قدر فکر و ذکرت شده سیاه که از پری غافل شدی.» این حرف‌های راضیه زن همسایه است که عده‌ای فکر می کنند او زن فضولی است. در حالی که راضیه زن دلسوز محله است. در گذشته همسایه‌ها دلسوز هم بودند، غمخوار همسایه خود بودند. اگر غریبه‌ای پا به

مجموعه «خط» را باید محصول نگاه کارگردان و نویسنده‌ای دانست که دغدغه‌های اجتماعی را دنبال می کند و یکی از وجوه بارز آثارش نیز کشف مشکلات جامعه و طرح آنها در قالب داستان است؛ اتفاقی که به صورت غیرمستقیم بر کنش‌های فردی و جمعی تاثیر گذاشته و به رفتارهای غیراخلاقی اشاره می کند. خط سیر و سلوک سیاوش سالار است که به گفته عباس رنجبر نویسنده و کارگردان این سریال بتدریج از سیامنشی به سیاوش تبدیل می شود و این نتیجه محقق نمی شود مگر در بستر روایتی عاشقانه. رنجبر که پیش از این سریال بال‌های خیس را از شبکه یک سیما روی آنتن داشت، تنهایی را ویژگی دنیای کنونی می داند و معتقد است برای شخصیت محوری داستان او می توان مصداق‌های زیادی را در جامعه جستجو کرد. در ادامه گفت‌وگوی ما را با این نویسنده و کارگردان می خوانید:

رکسانا قهقرایی

می گوید، هنرمند مانند صدفی است که از جهان پیرامونش گل و لای می گیرد و مروارید تحویل می دهد. من هم دنباله‌روی سیاوش هستم.

این سریال در مقایسه با سریال قبلی تان - بال‌های خیس - کیفیت بالاتری دارد یا خیر؟

تمام آثار خلق شده یک هنرمند حکم فرزندان را دارد و نمی تواند بگوید کدام بهتر از دیگری است، اما هر اثری تابع شرایط و مقطع زمانی خاص خودش خلق می شود و محصول زمان است. در مجموعه خط بشدت خودم هستم.

منظور تان چیست؟

تلاش دارم از این سوال فرار کنم، اما انگار نمی شود. ببینید یک اثر تصویری که از رسانه ملی پخش می شود، حاصل دسترنج نویسنده، کارگردان، تهیه کننده و از همه مهم تر همدلی مدیران آن شبکه و آن گروه تولیدکننده است. مدیری که به هنرمندش اعتماد می کند و کمتر نگاه سفارشی دارد، بی شک اثر خوبی روی آنتن می برد. کدام هنرمند را می توانید پیدا کنید که برای امضای خودش ارزش قائل نباشد؟ هر اثر حکم تابلوی نقاشی دارد که هنرمندش پای آن تابلو می ایستد و عکس یادگاری می گیرد.

وقتی محورهای اصلی داستان را مرور می کنیم، مثل دیگر کارهای تان اشاره مستقیمی به فرایض دینی نشده است و بیشتر مسائل اخلاقی موضوعیت دارد. این رویکرد و نوع نگاه دلیل خاصی دارد؟

چرا سریال خط با فضای کم‌دی آغاز شد؟ مگر قصه اصلی این داستان جدی نیست و بار دراماتیک ندارد؟ برای مطرح شدن یک اثر هنری آن هم از رسانه ملی، که یک رسانه فراگیر است، نیاز داشتیم فصل اول قصه را با بازی شخصیتی بزرگ که مکمل سیاوش بود، شروع کنیم تا فضای شادی خلق شود که خوشبختانه جواب هم داد.

فکر می کنید این مجموعه توانست اقبال مخاطبان را در پی داشته باشد؟

این موضوعی است که بهتر است اصحاب رسانه و خبرگزاری‌ها به آن پاسخ بدهند، اما آنچه من از نظرات اطرافیان و همکاران خودم دریافت می کنم، این است که آنها سریال را دوست دارند و دنبال می کنند.

معمولاً در سریال‌هایی که بر یک صنف یا حرفه خاص تاکید می کند و بر نحوه بازنمایی متمرکز می شود از سوی صاحبان صنف با اعتراضاتی روبه‌رو می شویم. آیا رانندگان اتوبوس از کار گله مند نشدند؟

در ابتدای پخش سریال اعتراضاتی صورت گرفت، اما آنها را به صبر و شکیبایی دعوت کردم و خواستم تا پایان سریال و زمان جمع‌بندی و نتیجه‌گیری صبر کنند. اتفاقاً برخی مثل همکاران «سامانه ۱۰» یعنی خط ویژه‌ای که لوکیشن سریال بود، چون در جریان قصه بودند با من تماس گرفتند و بابت ساخت سریال تشکر کردند.

به شخصیت‌ها برگردیم. فکر نمی کنید شخصیت سیاوش سالار (با بازی کامران تفتی) قدری در رفتار و گفتارش اغراق کرده است؟

ببینید نظیر «سیا» در جامعه ما زیاد مصداق دارد. افرادی که منطقشان در بازویشان قرار دارد تا در گفتارشان. ما سعی کردیم در این قصه آنان را در پوته نقد قرار بدهیم. در حقیقت اصل قصه ما تبدیل سیا به سیاوش است. یعنی قصه اصلی ما قصه انسان شدن و انسان ماندن سیاوش است؛ همین.

علت گرایش شما به سوژه‌های اجتماعی چیست؟ حضور در جامعه و میان مردم برای من همیشه لذتبخش بوده و هست. گرچه وسیله نقلیه دارم، اما علاقه مندم از وسایل نقلیه عمومی استفاده کنم. پس آدم‌های قصه‌ام را از جهان پیرامونم پیدا می کنم. همان طور که سیاوش



روی دیگر قهر و آشتی

محمد جلیوند

در سال‌های ابتدایی دهه ۷۰ با روی آوردن به تولید مجموعه‌های به اصطلاح آپارتمانی موجی به راه افتاد که همچنان به شکل کمرنگ‌تری ادامه دارد.

این موج را مجموعه همسران به کارگردانی مسعود رسام و بیژن بیرنگ به راه انداختند و پس از موفقیت چشمگیر آن به مجموعه‌های پربیننده دیگری همچون: خانه سبز، زیر آسمان شهر و... ختم شد.

حال پس از گذشت بیش از یک دهه از رونق مجموعه‌های آپارتمانی این روزها شاهد پخش مجموعه قهر و آشتی به کارگردانی علی ژکان هستیم که بیش از شباهت به آثار یاد شده بیشتر به مجموعه‌های چند قسمتی برنامه سیمای خانواده در همان ایام شبیه است!

کارهایی با قصه‌هایی ساده و سرراست و کم افت و خیز که بخش مهمی از مخاطبانش را خانم‌های خانه‌دار ایرانی تشکیل داده و بعضا با موفقیت‌های چشمگیری هم روبه‌رو می‌شدند.

حال ژکان با بهره‌برداری از این الگو، قهر و آشتی را جلوی دوربین برده و تقریبا از تمامی المان‌های آن نیز سود جسته است. به همین خاطر هم مجتمعی آپارتمانی را برای روایت قصه‌های خویش انتخاب کرده و هرچند قسمت را به یکی از آنها اختصاص داده است.

اشکان جاوید مهندس معمار که پس از سال‌ها زندگی در آلمان، به ایران بازگشته و با زنی به نام الهام شایسته که ۲۰ سال قبل ازدواج با او به هم خورده ازدواج می‌کند. این در حالی است که الهام در همان سال‌ها با مردی ازدواج کرده که تنها دو سال پس از ازدواج فوت کرده و سوگند تنها فرزندشان به حساب می‌آید.

به موازات این ماجرا، این دو تعمیرات مجتمع مسکونی محل سکونت اشکان را نیز به عهده داشته و بر سر رفتن یا نرفتن از ایران نیز کشمکش‌هایی دارند. قصه قهر و آشتی، قصه آشنایی است که تقریبا بخش مهمی از کلیشه‌های مربوطه را نیز با خود دارد که البته در صورت استفاده بجا و درست از کلیشه‌های یاد شده می‌توانست به نتایج خوبی هم برسد، اما این اتفاق به واسطه خلاقیت نداشتن تیم نویسندگان فیلمنامه رخ نداده و مخاطب فقط شاهد موفقیت‌های تکراری است که به مرور ملال‌آور جلوه می‌کند.

شخصیت‌پردازی هم آنچنان که باید و شاید جدی گرفته نشده و شخصیت‌ها کاملا به صورت تیپ ارائه شده‌اند تا آنجا که حتی به تیپ - شخصیت هم نزدیک نمی‌شوند! از اشکان و الهام گرفته تا مادر و دختر الهام و در این میان تنها شخصیت مادر اشکان متفاوت‌تر از بقیه از کار درآمده است. ضعف در شخصیت‌پردازی لطمه زیادی به حس همذات‌پنداری مخاطب زده و کشمکش‌های خلق شده توسط نویسندگان کار را که بعضا هم خوب طراحی شده، از نفس انداخته است.

ترکیب بازیگران قهر و آشتی در چند قسمت پخش شده، چندان چنگی به دل نمی‌زند و اغلب نقش‌های اصلی را بازیگرانی ایفا می‌کنند که چند سالی از این عرصه دور بوده یا حضوری کمرنگ داشته‌اند. برای مثال می‌توان به کاوه کاویان و مهشید افشارزاده در نقش‌های اشکان و الهام و نیز ژیللا سهرابی اشاره کرد که سهرابی حضور گرم‌تری نسبت به دو نفر دیگر در قهر و آشتی دارد.



حرکت روی خطوط موازی

نگاهی به سریال «خط» شبکه ۳ سیمما

مریم رها

مردم قرار می‌دهد و به تبع آن امکان بیشتری برای ادای پیام اثر، در اختیار گروه سازنده قرار می‌گیرد.

گذشته از هدف فیلم و فیلمنامه، از نظر هنری و تکنیک نگارش نیز این شغل موقعیت‌های بیشتری برای شکل‌گیری و پرداخت فیلمنامه در اختیار نویسنده قرار می‌دهد تا با استفاده از آنها داستان اصلی را جاندار کند.

در این مجموعه تلویزیونی، محمود پاک‌نیت نقش حاج‌رفوف، آشا محرابی نقش دخترش (سوگند) و جمال اجلالی نقش عموی سوگند را بازی می‌کنند و فریبا جدی‌کار، لیلا برخوردار، ایمان صفوا محسن افشانی به ترتیب نقش مادر، خواهر و دوستان سیاوش را ایفا می‌کنند. سیاوش طهمورث نیز با گرمی متفاوت در نقش فیلسوفی کارتن‌خواب هنرنمایی می‌کند.

در قسمت اول و دوم این سریال بیش از نیمی از کاراکترها و نسبت آنها با شخصیت اصلی نمایش داده شده است، چنین به نظر می‌رسد که مخاطب با درامی تلخ مواجه خواهد بود که در آن قهرمان داستان سرنوشت تراژیکی را پیش رو خواهد داشت. اما هرچه سریال جلوتر می‌رود از تلخی داستان کاسته شده، با لحظات کمیکی که در فضای کلی گنجانده شده، داستان و شخصیت‌ها شیرین‌تر می‌شوند و درامی عاشقانه را شکل می‌دهند.

یک اثر کمدی وقتی دلنشین است که در فواصل خنده را از لب‌های مخاطب بگیرد، تا هم موقعیت کمیکی قبلی در ذهن و دل مخاطب نشست کند و هم او را در انتظار موقعیت‌های کمیکی بعدی قرار دهد. عباس رنجبر این لحظات را خوب می‌شناسد و زمان آنها را به فراست دریافته است. اما آنچه در دو قسمت اول این سریال کمی مخاطب را دچار سردرگمی می‌کند، شکاف عمیقی است که بین دو قسمت اولیه با قسمت‌های بعدی افتاده است که در ابتدا سریال با فضای تراژیک خود را معرفی می‌کند، اما در ادامه با عاشق شدن کاراکتر اصلی و تلاش او برای خودسازی، تبدیل به یک ملودرام اجتماعی می‌شود.

یک اثر مشارکتی موفق

از منظر دیگر این سریال نمونه یک اثر مشارکتی قابل قبول است. این سریال با مشارکت معاونت اجتماعی شهرداری ساخته شده است. یکی از خطراتی که بیشتر مجموعه‌هایی از این دست را تهدید می‌کند، پرداخت مستقیم یا یکجانبه به سازمان یا ارگانی است که با برنامه‌سازان و سریال‌سازان مشارکت می‌کنند.

تولید محصولات هنری و فرهنگی اشتراکی از دو جهت سودمند و ارزشمند است که یکی کاهش هزینه و دیگری کمک به شناساندن ارگان یا سازمان مشارکت‌کننده است، اما عموما محصول به سمت تبلیغات مستقیم این نهادها می‌رود و بار هنری و کیفی آنها پایین می‌آید، اما در مجموعه «خط» هنجارها و ناهنجارهای اجتماعی که به رفتارهای درست و غلط شهروندان منجر می‌شود، اساس درام قرار

با گسترش مدرنیته و تغییر زندگی به شیوه مدرن، که از مظاهر آن در معماری و با ساخت و ساز آپارتمان‌ها و پاساژها در چهره شهرهای بزرگ پدیدار شد، تحولاتی نیز در مناسبات انسانی رخ داد. با وجود آن که این معماری جدید بر اساس تراکم و نزدیکی بناها به هم بنا نهاده شد، در فرهنگ مردم بخصوص در کلانشهرها تأثیری معکوس نهاد و مردم را از هم دورتر ساخت تا جایی که همسایه از همسایه گریزان شد و کاسب از همکار.

گرچه این سبک زندگی محاسنی همچون استقلال فردی را که نیاز هر شخص بالغانی است به همراه داشت، اما به منزوی شدن افراد و تنهایی آنها نیز منجر شد. قوانین جوامع بشری نیز با توجه به این سبک جدید زندگی اصلاحاتی را در خود ایجاد کرد، اما برخی از رفتارهای شهروندی قانون‌پذیر نبود و لازمه تغییر آن، توجه به فرهنگ‌سازی در میان شهروندان توسط رسانه‌ها، سازمان‌های فرهنگی و البته شهرداری بود.

صدا و سیمای جمهوری اسلامی از دهه ۷۰ پس از فراغت از جنگ تحمیلی و آرامشی نسبی که در جامعه حکمفرما شده بود، این موضوع را سه‌ویزی با بسیاری از برنامه‌های ترکیبی و نمایشی خود قرار داد که در برخی رسانه‌ها با عنوان گونه آپارتمانی از آنها یاد می‌شود.

سریال «خط» که پخش آن از شنبه بیست و سوم فروردین از شبکه سه سیمما آغاز شد و از شنبه تا چهارشنبه ساعت ۲۰ و ۴۵ دقیقه از این شبکه روی آنتن می‌رود، از تولیدات مشترک گروه اجتماعی شبکه سه و معاونت اجتماعی شهرداری تهران و تلاشی است در راستای نیل به ترویج اخلاق شهروندی. این سریال به نویسندگی و کارگردانی عباس رنجبر و تهیه‌کنندگی پروش کاشانی در ۱۵ قسمت ۵۰ دقیقه‌ای ساخته شده است و به بهانه نشان دادن زندگی پسری به نام سیاوش و محور قرار دادن او، سعی در نشان دادن هنجارها و هنجارشکنی‌های فردی و جمعی دارد.

سیاوش با بازی کامران تفتی جوانی است پرخاشگر و خلاق‌فکر که درست در نقطه مقابل خانواده‌اش قرار دارد. حاج‌رفوف که خود، گذشته‌ای مانند سیاوش داشته و برای رسیدن به معشوق تغییر و تحول یافته است، زیر بال و پر سیاوش را می‌گیرد و پس از این که بی می‌برد سیاوش دلباخته دخترش سوگند شده است، به او کمک می‌کند تا به خودشناسی برسد و خودسازی کند. سیاوش به سفارش حاج‌رفوف و به عنوان راننده وارد شرکت واحد می‌شود، که خود بازنشسته آنجاست.

نمایش زندگی مردم

یکی از انتخاب‌های هوشمندانه نویسنده به انتخاب این شغل برای کاراکتر اصلی برمی‌گردد. راننده شرکت واحد از مشاغل است که فرد را در معرض بیشترین برخورد با

گرفته و به عنوان یکی از بن‌مایه‌های اصلی اثر ظاهر می‌شود. آب‌سختور این به هم تنیدگی نیز قهرمان محوری داستان سریال است. اگر سریال موقعیت‌محور یا مکان محور بود، یعنی به عنوان مثال بستر اصلی داستان یکی از مراکز تحت پوشش شهرداری بود، ناخودآگاه تبلیغات هم به صورت گرافیک و هم به صورت تأکید مضاعف بر این سازمان خودنمایی می‌کرد. اما قهرمان در کنار معرفی ویژگی‌های خوب و بد خود، ضدقهرمانی را هم تعریف می‌کند؛ کنار هم قرار گرفتن این دو چه به صورت کاملا واضح و جنگ طلبانه و چه به صورت آرام و صلح‌جویانه، به تماشاگر قدرت قضاوت و انتخاب می‌دهد. شخصیت بزرگ که دوست نزدیک سیاوش است و با بازی ایمان صفا بسیار شیرین و دوست‌داشتنی از آب درآمده است و می‌تواند یک ضدقهرمان باشد؛ زیرا انتخاب‌های نادرست او هر چند که از دل شرایط نامهربان و ناسازگار زندگی او برمی‌آید، در بسیاری موارد قهرمان را به اشتباه می‌اندازد یا او را به ادامه رفتارهای نادرست و ناهنجار ترغیب می‌کند.

البته یکی از ویژگی‌های سریال رنجبر، شخصیت‌های خاکستری فیلم است. به این معنی که هم لغزش‌های این شخصیت‌ها را می‌توان به ناسامانی شرایط و سادگی و خوش‌طینتی‌شان بخشید و هم تغییر و تحولات و سیر و سلوکی را که کم‌کم در احوالات و مسیر زندگی‌شان رخ می‌دهد، در کنار تندخویی‌ها و شیطنت‌های ریز و درشتشان باور کرد. با تماشای بازی بازیگران این مجموعه چنین دریافت می‌شود که دست آنها در تیپ‌سازی و پرورش کاراکتر خود‌باز بوده است و بر اساس توانمندی‌ها و کاربزمایی که دارند نقش خود را پروراندند. قطعا کارگردان نیز در هدایت آنها کوشا بوده است.

کامران تفتی البته از این قاعده مستثناست و بازی‌اش با نقش‌های پیشین از این منظر متفاوت است که برای اولین بار شخصیتی کمدی - تراژیک را بازی می‌کند. البته شاید بتوان گفت در این مجموعه عباس رنجبر در نقش نویسنده، بسیار موشکافانه و دقیق‌تر از رنجبر کارگردان عمل کرده است. میزانشن‌ها و زوایای ساده دوربین و کات‌های البته انگشت‌شماری که به نظر می‌رسد از دقت و توجه کمتری بهره برده است، گواه دیگری بر این ادعاست، که البته در مقایسه با قابلیت‌ها و ویژگی‌های ذکر شده و نشده این فیلم چندان به چشم نمی‌آید، بخصوص که در هر فیلم و مجموعه‌ای که نویسنده، کارگردان یا تهیه‌کننده آن یک نفر باشد، انتظار می‌رود که آن شخص در یکی از این حوزه‌ها موفق‌تر و در دیگری ضعیف‌تر باشد.

تیتراژ پایانی «خط» که توسط محمدرضا عیوضی خوانده شده، از نظر محتوای شعر و حال و هوایی که از آهنگ آن دریافت می‌شود، درست کارکرد نقطه‌ای را دارد که انتهای یک پاراگراف گذاشته می‌شود.



گفت و گو با هیراد حاتمی، مجری برنامه «سلام تهران»

اجرای برنامه‌های صبحگاهی با سناریوهای متفاوت

آن به نظر من مدیران سازمان و تهیه‌کنندگان نقش مهم‌تری ایفا می‌کنند. به طور مشخص در رابطه با خودم این موضوع را مطرح کردم که فرآیند حضورم در برنامه تلویزیون با یک اعتماد سفت و سخت از سوی امیر خرمشاهی و مدیران شبکه همراه شد. این مقوله بسیار حائز اهمیت است که مانور بیش از اندازه روی آن، این هراس را ایجاد می‌کند که خدای نکرده تملق‌گویی باشد. بحث من بیشتر بر سر شنیده شدن صدای جوانان است. این که راه برایشان باز شود، کلی حرف دارند. حرف‌های درست و حسابی که از سوی پا به سن گذاشته‌ها شنیده می‌شود. این اتفاق کمی نیست که براحتی بتوان از کنار آن عبور کرد. یک سرمایه برای جامعه به شمار می‌آید که باید قدرش را دانست.

اکنون در رادیو نیز حضور دارید؟

به عنوان مجری - کارشناس برنامه اقتصاد روز در رادیو سراسری ایران حضور دارم، رادیو عشق است. این جمله گرچه کلیشه‌ای و تکراری است، اما واقعا یک گزاره ثابت شده است.

حضور شما در تلویزیون چگونه است؟

اکنون فقط در برنامه سلام تهران حضور دارم. روزهای چهارشنبه نوبت اجرای من است که هیجان زیادی برای آن دارم. برنامه سلام تهران گرچه برنامه‌های صبحگاهی است، اما ساختار آن ویژه و خاص است. به هر حال یک برنامه که دو استودیو دارد؛ یک استودیو در تپه صبا دایر شده است و ما در آن حضور داریم و استودیوی دیگر آن وسط شهر است. این که دوستان من می‌روند صندلی می‌گذارند در خیابان‌های پایتخت با مردم و شهروندان عادی حرف می‌زنند یا این که در جشنواره‌ای تحت عنوان جشنواره پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها حمید رضایی با همراهی دوستانمان به خانه‌های مردم می‌روند و با آنان خاطره بازی می‌کنند؛ اتفاق بسیار خوبی رقم می‌خورد. سلام تهران پر از این لحظه‌های ناب است و به همین دلیل یک احساس تعلق خاطر خاصی به آن دارم.

شما هم گویا هر بار با یک سناریوی خاص برنامه را شروع می‌کنید؟ یک‌بار با پاکت نامه، یک‌بار نان و المان‌های دیگری که در پلاتوی آغازین با آن به استقبال مخاطب می‌روید. فکر شده است؟

به هر حال من نویسنده هستم. دوره کامل فیلمنامه‌نویسی و داستان‌نویسی را سپری کرده‌ام. با همفکری برخی از دوستانم برای هر اجرا سناریویی را طراحی می‌کنیم تا کمی متفاوت باشیم.



و اعتماد کرد. مدیران شبکه تهران هم در این تصمیم به آقای خرمشاهی کمک کردند. گرچه این قدر هم آسان نبود.

یعنی مخالفت با حضور شما به عنوان مجری بود؟

به هر حال شبکه‌های تلویزیونی زیاد شده‌اند و باید پذیرفت که راه را باید برای جوانان باز کرد. بیست و چهارساله بودم که در رادیو حضور داشتم. باید بپذیریم حرف‌های جوانان هم شنیده می‌شود. نمونه بارز این اتفاق را درباره سیدعلی ضیاء که از صمیمی‌ترین دوستان من است، می‌توانم مطرح کنم. با وجود سن کمی که دارد بسیاری از حرف‌هایی که مردم از دهان او می‌شنوند برایشان باورپذیر است. جوانگرایی نه در وصف شعار که در عمل بسیار تصمیم‌درستی است. به لطف خدا هم تاکنون تجربه‌های خوبی به همراه داشته است.

یعنی می‌گویید جوان‌ها به نوعی قابل اعتمادتر به حساب می‌آیند؟ الزاما بحث من اعتماد نیست. به هر حال در رابطه با اعتمادسازی و پرورش

هیراد خاتمی کارش را از رادیو آغاز کرد و بعدها به عنوان کارشناس اقتصادی در برنامه‌های تلویزیونی حاضر شده است. او حالا مجری برنامه سلام تهران است و می‌کوشد صبح‌ها برای مخاطبان این شبکه اجرای خوبی داشته باشد.

با او در باره این برنامه و مسیری که در صدا و سیما طی کرده گفت‌وگویی کرده‌ایم که می‌خوانید:

ایمان محمدی

شما به عنوان کارشناس اقتصادی در برنامه تلویزیونی حضور داشتید، اما به یکبار مجری اصلی برنامه سلام تهران شدید. این تغییر مسیر برای شما چگونه رقم خورد؟

سابقه تاریخی این موضوع را به گونه دیگری باید بررسی کرد. من به عنوان کارشناس و مجری در برنامه‌های رادیویی حضور داشتم. از همان جا هم به امیر خرمشاهی، تهیه‌کننده برنامه سلام تهران معرفی شدم تا به عنوان کارشناس اقتصادی در برنامه سلام تهران حاضر باشم.

اقتصاد خوانده‌اید؟

خیر. من لیسانس مدیریت صنعتی دارم و اکنون هم دانشجوی کارشناسی ارشد همین رشته هستم. به هر حال رشته تحصیلی من بشدت با اقتصاد همخوانی دارد. مضاف بر این که نزدیک به یک دهه در رسانه‌های مکتوب به عنوان خبرنگار اقتصادی فعالیت داشتم. همین موضوع هم سبب شد در برنامه سلام تهران به عنوان کارشناس حضور داشته باشم تا بتوانم به تحلیل موضوع‌های اقتصادی بپردازم.

چگونه شد که یکبار مجری اصلی برنامه شدید؟

امیر خرمشاهی، تهیه‌کننده سلام تهران آدم عجیبی است. سخت تصمیم می‌گیرد، اما وقتی تصمیمی گرفت به دنبالش می‌رود تا اجرایی کند. یک روز با من تماس گرفت تا در دفتر کارش حضور داشته باشم. با من در رابطه با این که می‌خواهد به عنوان مجری برنامه روی من حساب کند گفت‌وگو کرد. برای این تصمیم خودش نیز دلایل قطعی داشت. دقیقا به خاطر دارم، یکبار به گوشه تلفن همراهش مشغول کنکاش شد و فایل صوتی یکی از مصاحبه‌های من در رادیو را پخش کرد. او بخوبی من را زیر نظر گرفته بود

تجربه شیرین یک رویای واقعی

سارا صفالو

و با فضای باز انتقادی است. کادر مجری‌های این برنامه یعنی جرمی کلارکسون، ریچارد هاموند و جیمز داو با شخصیت‌های متفاوت، اما ترکیبی کامل‌کننده و اجرایی صمیمی نقطه قوت استارت هستند.

جرمی کلارکسون یکی از مجری‌های این برنامه است. او را می‌توان جذاب‌ترین شخصیت این برنامه تلویزیونی دانست؛ روزنامه‌نگار پنجاه و سه ساله انگلیسی که بارزترین ویژگی اخلاقی او را می‌توان طنز منحصربه‌فردش دانست؛ طنزی که بارها مورد انتقاد رسانه‌ها قرار گرفته و حتی گاهی اوقات برایش دردسرساز شده است. اما ریچارد هاموند یکی دیگر از مجری‌های این برنامه که لقب خبرسازترین مجری استارت را به خاطر آسیب‌دیدگی‌های بسیار زیادی که در طول برنامه به او وارد شده به خود گرفته است و برای اهل مستند یک مجری کاملا شناخته شده است، در تقابل جالب و کروی خوانی‌هایی که با جرمی دارد، سهم بزرگی در حفظ ریتم برنامه ایفا می‌کند.

جیمز داو ضلع سوم این اجراست که بدون شک معقول‌ترین و آرام‌ترین شخصیت استارت است. جرمی و ریچارد، او را به علت رانندگی بسیار باقتش کاپیتان آهسته صدا می‌زنند. او علاوه بر اجرای برنامه استارت روزنامه‌نگار نیز بوده و اجرای چند برنامه دیگر را در کارنامه خود دارد مانند نقطه اتکا و تعادل برنامه عمل می‌کند. این ترکیب متفاوت و در عین حال متعادل به خوبی توانسته است با ذائقه مخاطبان برنامه‌های تلویزیونی سازگار شود. البته نباید نقش تصویربرداری

پس از پخش موفق سری اول و دوم مجموعه «استارت» از شبکه مستند سیما در سال گذشته، این شبکه در ایام نوروز ۹۳ نیز سری جدید این مجموعه را روی آنتن برد؛ مجموعه‌ای که به خاطر جذابیت‌های منحصربه‌فردش بسیار مورد توجه قرار گرفت. این برنامه را که با نام Top Gear از شبکه‌های مختلف پخش شده است، می‌توان محبوب‌ترین برنامه مرتبط با وسایل نقلیه دانست. استارت که از سال ۱۹۷۷ تاکنون فقط با یک سال وقفه روی آنتن رفته، هر هفته به‌طور میانگین ۳۵۰ میلیون بیننده در ۱۷۰ کشور مختلف دارد. این مجموعه تاکنون بیش از ده جایزه مختلف امی اوارده، بافتا و TRIC را در بخش‌های مختلفی مثل بهترین اجرا و محبوب‌ترین سریال انگلیسی برده است.

اما راز این موفقیت چیست؟

بی‌شک «استارت» تنها برای عاشقان ماشین‌های مسابقه ساخته نشده است. نگاهی به طرفداران این برنامه جذاب تلویزیونی نیز گواه این مدعاست. با این حال نباید نقش غول‌های بزرگ صنعت اتومبیل‌سازی را به عنوان موضوع اصلی این برنامه نادیده گرفت. اما به نظر می‌رسد آنچه باعث رونق اصلی استارت شده است به نوع اجرای آن برمی‌گردد. استارت یک برنامه با چاشنی طنز، بحث‌های جنجالی



این ترس هم ناگزیر و همیشگی است که این پرورش خلاقانه به واقعیت صدمه بزند و بر درک مخاطب اثر بگذارد، چون آنچه فیلم مستند را در نهایت مستند می‌کند رابطه میان متن، زمینه، سازنده و بیشتر از همه بیننده است.

مستند مفهوم بازی است که مرزهای نامعین دارد. ادعای واقعیت یا نشان دادن صرف واقعیت هرگز نمی‌تواند قطعی باشد. طبقه‌بندی‌ها و تعریف‌ها فقط کمک می‌کنند که بتوان مستند را بهتر شناخت. همان‌طور که خود مستند هم تنها کمک می‌کند تا ما به عنوان مخاطب واقعیت را که در واقع همان چیزی است که اکنون رخ می‌دهد، بهتر بشناسیم.

استارت تجربه شیرین یک واقعیت رویایی است؛ رویایی که بارها در ذهن علاقه‌مندان به دنیای سرعت ماشین‌ها، واقعی شده است و حالا مخاطبان با استارت، این رویا را رنگ واقعیت می‌بخشند.

و صداگذاری این مجموعه را نیز در موفقیت آن نادیده گرفت. تصاویر بدون این که قصد خودنمایی داشته باشند بسیار هوشمندانه به مخاطب ارائه می‌شوند و البته بخشی از تاثیر خود را نیز مدیون تدوین بسیار خوب و ریتم عالی این برنامه هستند.

گروه «استارت» حاضرند برای جلب اعتماد مخاطب خود هر سختی‌ای را به جان بخرند تا ثابت کنند تمام آنچه پیش روی بیننده است، مستند بوده و برنامه‌ریزی قبلی پشت آن نبوده است. برای این کار حتی با ماشین‌های خود به دل باتلاق‌های عمیق فرورفته‌اند و حاضر شده‌اند تمام جنگل‌های بارانی آفریقا را برای یک فرضیه اشتباه زیر پا بگذارند.

این نگاه تجربی به مستند نگاهی ارزشمند است. در واقع مستند واقعیت را به‌طور دقیق و خالص و عینی عرضه می‌کند و هر پرورش خلاقانه هم در جهت همین هدف صورت می‌گیرد.

صمیمیت در حوالی سفره عفت خانم

مهمان مامان، بهترین اثر مهرجویی در ۱۰ سال گذشته، در تلویزیون ساخته شده است

احسان رحیمزاده



هفته گذشته برای چندمین بار شاهد پخش فیلم مهمان مامان ساخته داریوش مهرجویی از تلویزیون بودیم؛ فیلمی خاطره‌انگیز که سال ۱۳۸۲ ساخته شد و تحسین منتقدان و مخاطبان خاص و عام را برانگیخت. مهمان مامان از آن دست فیلم‌هایی است که تلویزیون، آن را در مناسبت‌های مختلف روانه آنتن می‌کند؛ فیلمی که مادری فداکار و مهربان را نشان می‌دهد و برای پخش در روز مادر مناسب است.

از طرف دیگر چون این فیلم نمایانگر صمیمیت خانواده‌های ایرانی است، می‌تواند در مناسبت‌هایی چون شب یلدا و تعطیلات نوروز هم پخش شود، ضمن این که فیلم به مناسبت خاصی هم اشاره نمی‌کند و در روزهای عادی سال هم قابل پخش است! در کنار همه این مسائل باید به این نکته اشاره کنیم که مهمان مامان فیلمی پر مخاطب است و می‌تواند تا دقیقه نود مخاطب معمولی تلویزیون را پای جعبه جادو بنشانند، پس بی‌دلیل نیست که مدیران تلویزیون این قدر به آن علاقه نشان می‌دهند.

به هر حال اگر بخواهیم جدولی از فیلم‌های زیاد پخش شده در تلویزیون تهیه کنیم، این فیلم در کنار آژانس شیشه‌ای و بوی پیراهن یوسف در خانه‌های بالای جدول جای می‌گیرد.

این فیلم به تهیه‌کنندگی سیمیا فیلم ساخته شده و رسانه ملی در تولید آن نقش و سهم پررنگی داشته است. مهرجویی در فیلم «آسمان محبوب» یک بار دیگر سیمافیلم را برای همکاری برگزید؛ اما نتیجه نهایی کار به اندازه مهمان مامان خوب از آب درنیامد. تماشای دوباره مهمان مامان دوستداران این کارگردان را به این فکر فرو می‌برد که چرا مهرجویی سینمای ارزشمندش را رها کرد و به سمت ساخت فیلم‌هایی رفت که نشانی از اعتبار آثار گذشته ندارد. باور این که نارنجی‌پوش و چه خوبه که برگشتی را کارگردان مهمان مامان ساخته باشد، آسان نیست، بین شخصیت‌های عمیق و چندبعدی مهمان مامان و آدم‌های ناشناخته و بی‌هویت چه خوبه که برگشتی زمین تا آسمان فاصله است. جالب است که از زمان ساخت این فیلم حدود ده سال می‌گذرد و کارگردان مورد علاقه ما در این زمان اندک تا این اندازه تغییر مسیر داده است.

مهمان مامان علاوه بر این، روحیه مهمان‌نوازی ایرانیان را به یادمان می‌اندازد و برخی مناسبات غلط فرهنگی را هم زیر ذره‌بین می‌برد. اصلی‌ترین تقابلی فیلمنامه بین عفت (گللاب آدینه) و همسرش آقا یدالله (با بازی حسن پورشیرازی) شکل می‌گیرد. در یک طرف میدان، زنی مهربان و آبرودار ایستاده که به حفظ ظاهر و قضاوت دیگران بیش از حد اهمیت می‌دهد. برای او خیلی مهم است که سفره‌ای رنگین و دهان پرکن داشته باشد و مهمان‌ها از خانه‌اش راضی بیرون بروند. رودربایستی بیش از حد، او را به سمت ریاکاری و تظاهر می‌کشاند.

به‌عنوان مثال دقت کنید به تمام سکانس‌هایی که عفت خانم از آمدن مهمان نگران است؛ او خودش را شاد و خوشحال نشان می‌دهد. از طرف دیگر آقا یدالله مردی فقیر است که در لحظه زندگی می‌کند. او با بی‌خیالی و خونسردی در جمع مهمانان می‌نشیند و از حضورشان لذت می‌برد. آواز می‌خواند و خوش می‌گذراند و کاری می‌کند که به دیگران هم خوش بگذرد.

مهرجویی در میانه این تقابل در ظاهر از هر دو طرف حمایت می‌کند و کسی را سرزنش نمی‌کند، اما کسی که فیلم‌های مهرجویی را دنبال کرده باشید، می‌داند او شخصیت یدالله را بیشتر می‌پسندد و در بیشتر آثارش نوعی روحیه خیام‌وار (لذت بردن از زندگی و رها شدن از قید و بندهای اضافی) را ترویج می‌کند.

مهمان مامان از دوستی‌ها و همدلی‌ها حکایت می‌کند. دور سفره عفت خانم همه‌جور آدمی می‌نشیند. از آقای

درست می‌گویند؛ مهم این است که داریوش مهرجویی در فیلم مهمان مامان با تکیه بر یک داستان بلند، یکی از درخشان‌ترین فیلم‌های تاریخ سینمای ایران را خلق کرده است. این فیلم ثابت می‌کند دریای ادبیات ایران، مرواریدهای گرانبهایی را درون خودش پنهان کرده و اگر کارگردان غواص خوبی باشد، می‌تواند آنها را صید کند. مهمان مامان، محصول تعامل و همکاری خوب مرادی کرمانی و مهرجویی در مقام نویسنده و کارگردان است. اغلب می‌بینیم که نویسنده کتاب از محصول نهایی کار اظهار ناراضی می‌کند و می‌گوید نوشته من بهتر و جذاب‌تر بود و بسیاری از ایده‌هایش در فیلم تلف شده، اما مرادی کرمانی پس از دیدن فیلم نتیجه کار را پسندید. این‌طور که مهرجویی در مصاحبه‌هایش توضیح داده، پیشنهاد ساخته شدن فیلم از طرف خود مرادی کرمانی ارائه شده است.

او با شناختی که از مهرجویی و فیلم اجاره‌نشین‌هایش داشته داستان مهمان مامان را نوشته و به کارگردان مورد علاقه‌اش توصیه کرده آن را بسازد. البته دو فیلم مورد اشاره به لحاظ شخصیت‌پردازی تفاوت‌های زیادی با هم دارد. در اجاره‌نشین‌ها با آدم‌هایی طماع، مکار و بدجنس طرف هستیم که فقط به منافع خودشان فکر می‌کنند. این منفعت‌طلبی به بروز مشکلات زیادی منجر می‌شود و ساختمان اجاره‌ای را با بحران مواجه می‌کند، اما در فیلم مهمان مامان آدم‌های مهربانی را می‌بینیم که هر کدام سوبه‌های اخلاقی مثبتی دارند.

در خانه «عفت خانم» صمیمیت و یکدلی موج می‌زند و خبری از تفرقه و اختلاف نیست. اگر هم تنش پیش می‌آید (مثل ماجرای یوسف که همسرش را کتک می‌زند) این اختلاف خیلی زود جایش را به صلح و دوستی و آرامش می‌دهد. در مهمان مامان برخلاف اجاره‌نشین‌ها همه مستأجران برای حل مشکل عفت خانم بسیج می‌شوند و دست به دست هم می‌دهند تا گرهی از مشکلات همسایه‌شان باز کنند. این مهمان‌ها با نشستن بر سر سفره رنگین میزبان در شادی عفت خانم شریک می‌شوند و شبی خوش و خاطره‌انگیز را تجربه می‌کنند، اما در اجاره‌نشین‌ها هر چه پیشتر می‌رویم آتش اختلافات شعله‌ورتر می‌شود.

تفاوت دیگر دو داستان این است که مرادی کرمانی درام خود را بر پایه مسائل به ظاهر بی‌اهمیت بنا می‌کند. در داستان‌های این نویسنده خبری از بحران‌های خانمان‌برانداز نیست و همیشه یک مساله بسیار کوچک شاخ و برگ پیدا می‌کند و شخصیت درونی آدم‌ها را در معرض دید مخاطب قرار می‌دهد. مثلاً در داستان «مربای شیرین» مساله ساده باز نشدن در یک شیشه مربا پای مدیر مدرسه و بقال و پدر و مادر و وزیر را به ماجرا باز می‌کند. در داستان مهمان مامان نیز گره با یک اتفاق بسیار کوچک ایجاد می‌شود: برای خانواده‌ای فقیر مهمان می‌آید و آنها چیزی برای پذیرایی ندارند. اگر این خلاصه داستان را برای خیلی‌ها بگویید آنها منتظر شنیدن ادامه‌اش نمی‌مانند و پاسخ می‌دهند حالا چه اهمیتی دارد که بدانیم بعدش چه می‌شود، اما همین داستان یک خطی در مهمان مامان بدل به فیلمی ماندگار و ارزشمند می‌شود.

در کارنامه داریوش مهرجویی اقتباس‌های ارزشمندی به چشم می‌خورد. او فیلم‌های گاو، سارا و درخت گلابی را با اقتباس از داستان‌های ایرانی و خارجی ساخته است. مهرجویی می‌داند چطور این داستان‌ها را از آن خود کند و به چه شخصیت‌هایی رنگ و لعاب بیشتری ببخشد. به‌عنوان مثال دقت کنید چگونه عفت خانم به سر نوشت همیشگی قهرمان‌های مهرجویی دچار می‌شود. لیلا، سارا، پری، هامون و مش حسن همگی صبر پیشه می‌کنند و در لحظه حساس پایانی کاسه صبرشان لبریز می‌شود. آنها می‌گریزند یا مجنون می‌شوند یا مثل عفت خانم از پا درمی‌آیند؛ واکنشی که در یک کلمه می‌شود آن را نوعی طغیان دانست.

پناه آورده همان علی سنتوری است که در فیلم بعدی مهرجویی قد علم می‌کند؛ همان جوان معتادی که در خانواده‌ای پولدار به دنیا آمده؛ اما اسیر غول اعتیاد شده و در انزوا روزگار می‌گذراند.

تماشای دوباره مهمان مامان لذتبخش است، چون چگونه شاد بودن و لذت بردن از زندگی را به یادمان می‌اندازد. فیلم بدون آن که فقر و تنگدستی را ستایش کند، نشان می‌دهد آرامش و لبخند همیشه در یک قدمی ماست و برای رسیدن به آن نیازی نیست خودمان را به آب و آتش بزنییم.

اقتباس ایرانی هم می‌تواند موفق باشد

فیلم «مهمان مامان» با اقتباس از کتابی به همین نام، نوشته هوشنگ مرادی کرمانی ساخته شده است. سینمای ایران علاقه چندانی به کتابخوانی و تصویری کردن داستان‌های ادبی ندارد. تعداد کارهایی که در طول یک سال اقتباس می‌شود، به نصف انگشتان یک دست هم نمی‌رسد. در ریشه‌یابی این مساله، فیلمسازان و نویسندگان همواره توپ را به زمین طرف مقابل می‌اندازند.

فیلمسازان می‌گویند در بازار ادبیات، کتاب در خور توجهی نوشته نمی‌شود که ما بخواهیم آن را به فیلم تبدیل کنیم. آنها معتقدند معدود کتاب‌های نوشته شده هم غنای تصویری لازم را ندارد و به درد سینما نمی‌خورد. داستان‌هایی که در بهترین حالت روی کاغذ جذاب به نظر می‌رسد و قابلیت تصویری برای تبدیل شدن به فیلم را ندارد. از آن طرف داستان‌نویسان معتقدند که فیلمسازان ما حال و حوصله کتاب خواندن را ندارند و چون بیشترشان ادبیات را نمی‌شناسند، نمی‌توانند از دل یک داستان کوتاه یا رمان فیلم ارزشمندی بیرون بیاورند.

فعال کاری به این مساله نداریم که کدام گروه

دکتر سفیدپوش (با بازی امین حیایی) گرفته تا مرد معتاد (پارسا پیروزفر) و جناب سروان و پیروزی به نام مش مریم (فریده سپاه منصور) و دیگران.

سفره پهن شده یادآور این بیت شعر است که «بنام به بزم محبت که آنجا/ گدایی به شاه می‌نشیند». سفره که پهن می‌شود در کنار همه آدم‌ها یک نفس راحت می‌کشیم. انگار ما هم در دلشوره برپایی این ضیافت سهیم بوده‌ایم و همراه عفت خانم برای تامین محتویات سفره تلاش کرده‌ایم. آماده کردن غذا به درام اصلی بدل می‌شود و به اندازه یک ماجرای دلهره‌آور برایمان تنش و کشمکش ایجاد می‌کند. در کنار این صمیمیت همگانی، تعدادی از آدم‌ها به دنبال علاقه شخصی خودشان هستند. آقا یدالله که آپاراتچی بازنشسته است، در جایگاه یک شخصیت «عشق فیلم» از فیلم‌های محبوبش مثل بر باد رفته و لارنس عربستان یاد می‌کند.

بزرگ‌ترین نگرانی او این است که سالن‌های سینما تعطیل می‌شود و تعداد مخاطبان رو به کاهش است. بهاره (ملیکا شریفی‌نیا) ماهی‌اش را دوست دارد و در سکانشی که دکتر ماهی را جراحی می‌کند، این علاقه را نشان می‌دهد. در این صحنه یکی از سکانش‌های زیبای عاشقانه رقم می‌خورد. این دو نفر به بهانه ماهی به یکدیگر ابراز علاقه می‌کنند و در سکانش‌های دیگر به بهانه درس خواندن هم صحبت می‌شوند.

مش مریم (فریده سپاه منصور) هم دلپسته مرغ و خروس‌هایش است و در مرحله اول حاضر نمی‌شود آنها را به صاحبخانه هدیه کند.

این خرده داستان‌های جذاب در گوشه و کنار درام بدرستی چیده شده و جذابیت کلیت کار را بالا برده است. برخی قصه‌های فرعی آن قدر پر و پیمان است که قابلیت تبدیل شدن به یک فیلم جداگانه را دارد. شخصیت معتاد یوسف که از پدر و مادرش بریده و به خانه‌ای محقر

پیش از آن که گول چراغ جادو از جعبه تلویزیون خارج شود و همه چیز و همه کس را مجذوب خود کند، این رادیو بود که یار غار و رفیق تنهایی و مونس شب‌های طولانی زمستان بود. هنوز هم که وارد دکان کسبه‌های پیر می‌شوید، انس و الفت آنان را با رادیو مخصوص با آن جعبه‌های قدیمی که گاهی به اندازه تلویزیون ۱۴ اینچ بود، می‌بینید. در میان مشاغل مختلف نیز جایگاه رادیو متفاوت بود.

مثلاً کارکرد این رسانه شنیداری در قهوه‌خانه‌ها، آرایشگاه‌ها و خیاطی‌ها، بیش از جاهای دیگر بود و گاهی در جایی مثل قهوه‌خانه‌ها، نوعی ابزار تبلیغاتی و عاملی برای جلب مشتری می‌شد، اما امروزه با گسترش تلویزیون و جاذبه‌های بصری که در ذات آن است، رادیو بتدریج جایگاه خود را از دست داد و در واقع تصویر بر صدا غالب شد.

رسانه‌ای در دسترس

گرچه نوستالژی رادیو در حافظه تاریخی مردم باقی ماند و همچنان نیز یک موقعیت تاریخمندی دارد. تولد تلویزیون و تولید برنامه‌های گوناگون آن در ابتدا، گرچه رادیو را با بحران مخاطب روبه‌رو کرد و باعث ریزش طیف زیادی از شنوندگان و تبدیل آن به بینندگان شد، اما بنا بر یافته‌های علم ارتباطات در نهایت و در گذر زمان، هیچ رسانه‌ای نتوانست جای رسانه دیگر را بگیرد یا به مرگ آن منتهی شود.

امروزه شاهدیم که با وجود گسترش انواع شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای و دیگر وسایل ارتباط

جمعی، رادیو هنوز طرفداران زیادی دارد و همچنان جذابیت خود را حفظ کرده است. این جعبه صدا البته در میان برخی طبقات اجتماعی و گروه‌های سنی و برخی مشاغل و موقعیت‌های زندگی، طرفدار بیشتری دارد. مثلاً زنان خانه‌دار، دانشجویان در خوابگاه و رانندگان تاکسی و اتوبوس، از این رسانه استفاده بیشتری می‌کنند یا برای گروه‌های سنی بالاتر که حوصله شلوغی تلویزیون را ندارند و هم نسبت به رادیو انس دیرینه‌ای دارند، رادیو جایگاه ارزشمندتری دارد. بسیاری از مخاطبان رادیو مثلاً از برنامه راه شب یا شب بخیر کوچولو یا قدیمی‌ترها از برنامه گل‌ها، خاطرات زیادی دارند و اساساً رادیو نسبت به رسانه‌های دیگر از حس آرامش و سکون دل‌انگیزتری برخوردار است که برعکس هیاهوی تلویزیون فضای آرام و فرحبخشی برای مخاطبش ایجاد می‌کند، اما این تنها امتیاز رادیو نسبت به تلویزیون نیست.

ویژگی‌ها و به اصطلاح جامعه‌شناسان، کارویژه‌های رادیو را می‌توان در چند مورد برشمرد. یکی این که رادیو بسیار راحت در دسترس است و علاوه بر وسایل نقلیه از طریق رادیوهای همراه در خیابان و پارک نیز می‌توان از آن استفاده کرد. دوم این که نیاز به نگاه کردن ندارد یعنی مخاطب می‌تواند در عین این که به فعالیت دیگری مشغول است، از برنامه‌های آن استفاده کند. چه بسا زنان خانه‌داری که در عین آشپزی و رسیدگی به امور منزل به رادیو نیز گوش می‌کنند. سومین ویژگی، زنده بودن برنامه‌های رادیویی است.

بیشتر تولیدات رادیویی به شکل زنده پخش می‌شود و این ویژگی بر تازگی و هیجان آن می‌افزاید. رادیو نسبت به رسانه‌های دیگر سرعت بیشتری در اشاعه اخبار دارد و بخش‌های متعدد خبری در آن، کارایی خوبی در اطلاع‌رسانی دارد.

رادیو در گذشته دو کارکرد ویژه داشت یکی بخش موسیقی و دیگری اخبار که نسبت به تلویزیون بیشتر بود، اما امروزه رادیو نیز مثل تلویزیون به شکل تخصصی گسترش یافته و مخاطبان خاص خود را دارد.

رادیو، رسانه‌ای گرم

در عصر ارتباطات و اطلاعات که جامعه شبکه‌ای بر ساختار اجتماعی و مناسبات انسانی ما حاکم شده است بدون رسانه نمی‌توان زیست و جهان تعطیل می‌شود؛ گویی رادیو، صدای این جهان رسانه‌ای است. رادیو نسبت به تلویزیون از یک کارکرد روان شناختی هم برخوردار است. فقدان تصویر در رادیو به تولید تصور در ذهن

تصاویر قرار گرفته است.

صدای حقیقی در هیاهوی صوتی دنیای دیجیتال گم شده است و به گوش نمی‌رسد. در حالی که در گفتار و عنوان‌بندی همیشه صدا مقدم بر تصویر بوده است، می‌گفتند رادیو و تلویزیون و می‌گویند صداوسیما، اما در ماورای این دو پدیده گاهی صدایی به گوش نمی‌رسد و همه مجذوب و مبهوت تصویرند! هر چند نگارنده معتقد است باید مخاطب‌سنجی

به بهانه سیزدهمین جشنواره بین‌المللی رادیو

رادیو همیشه زنده است



کرد تا هم طیف و تعداد مخاطبان رادیو با تلویزیون را سنجید و هم به علل گرایش هر دو گروه به رسانه مورد علاقه خود پی برد و هم برای مخاطب‌سازی و افزایش شنوندگان رادیو مبتنی بر داده‌های آماری برنامه‌ریزی کرد. در دنیای شگفت‌انگیز ارتباطات و وسایل ارتباط جمعی، نه تنها با خلق ابزار و فناوری جدید روبه‌رو می‌شویم، که گاه از ترکیب آنها نیز رسانه‌ای نو متولد می‌شود که می‌توان آن را زایشی درونی دانست.

شکل‌گیری فناوری‌های رسانه‌ای هم به تسهیل و توسعه اشکال جدید ارتباطی در بیرون از ماهیت خود منجر می‌شود و هم به توسعه درون رسانه‌ای کمک می‌کند.

صداست که می‌ماند

امکانات رسانه‌ای به ایجاد کارکردهای جدید در رسانه‌ها نیز دامن می‌زند و به تولد مدل‌های جدیدی از رسانه‌های گروهی می‌انجامد، طوری که دیگر آن نگاه کلیشه‌ای را که اختراع و ظهور یک رسانه جدید به فراموشی رسانه‌های پیش از آن می‌انجامد، یا آنها را در برابر انقراض و فراموشی قرار می‌دهد یا باطل می‌کند.

رسانه‌ها با بهره‌گیری از کارکردهای تخصصی و تعامل درون گروهی به بازسازی و ترمیم خود می‌پردازند و خود را با نیازهای جدید مخاطبان تطبیق می‌دهند. رسانه‌ها به واسطه این تعامل به کارکردهای رسانه‌های دیگر نیز مجهز شده و به یک کیفیت چند رسانه‌ای یا مولتی مدیا تبدیل می‌شوند، البته این ماجرا بیشتر در حوزه رسانه‌های تصویری رخ داده و رادیو به دلیل ماهیت غیربصری خود کمتر در برابر این تحولات قرار داشته است.

اما اینک با شکل‌گیری از رادیو مواجه هستیم که تصویر را نیز به خدمت خود گرفته و به موجب دیدگاه «مک‌لوهان» از یک رسانه گرم به رسانه سرد تغییر کاربری داده است. رادیو ایران صدا همچنین از رسانه قدرتمند و فراگیر عصر جدید یعنی اینترنت نیز استفاده کرده و برنامه‌های خود را از طریق سایت اینترنتی این شبکه در اختیار کاربران قرار می‌دهد.

دیگر مانند گذشته نیست، اگر شنونده‌ای برنامه مورد علاقه خود را شنید آن را از دست داده باشد، بلکه می‌تواند به این سایت مراجعه و برنامه مورد نظر خود را دانلود کند.

این کارکرد جدید رادیویی این شعر معروف را که «تنها صداست که می‌ماند» محقق کرده است و مگر نه این است که اختراعات بشری، عینیت بخشیدن به رؤیاهای آرزوهای دیرینه بشری هستند.

از ویژگی‌ها و امتیازات رادیو ایران صدا در این است که برنامه‌های زنده آن را در لحظه اجرا از روی سایت اینترنتی این رسانه می‌توان تماشا کرد. این کارکرد، امکانی فراهم کرده است تا رادیو از یک رسانه مبتنی

بر صدا به رسانه‌ای تصویری تبدیل شود و مخاطب نه فقط برنامه‌های آن را بشنود، بلکه بتواند تصویر آن را نیز ببیند.

فرا تر از صدا

رادیو «ایران صدا» یک رادیو اینترنتی است و امروز با بسط جامعه مجازی و شبکه‌ای این‌گونه از رسانه‌ها در حال گسترش بوده و بتدریج جای خود را در بین مردم بویژه نسل جوان باز می‌کنند. در جامعه ما نیز از یک سو شمار اقبال تحصیلکرده رو به افزایش است و شاهد دگرذیسی فرهنگی در نسل جدید هستیم و از سوی دیگر، اینترنت و استفاده از فضاهای مجازی روز به روز گسترده‌تر می‌شود.

در این اوضاع و احوال، شاید دیگر رسانه‌های قدیمی نتوانند پاسخگوی نیاز مخاطبان باشند یا دست‌کم جذابیت خود را تا اندازه‌ای از دست می‌دهند، بنابراین گرایش به شبکه‌های چند رسانه‌ای و به اصطلاح

مولتی مدیا می‌تواند نیازهای این مخاطبان آگاه را بیشتر رفع کند.

به طور کلی یک رابطه تعاملی و متقابل بین رسانه‌ها و مخاطبان در مسیر تحولات تاریخی جوامع به چشم می‌خورد، به این معنی که این همیشه رسانه نیست که پیام خود را یک سو و گاه تحمیلی به سوی مخاطب ارسال می‌کند، بلکه مخاطبان آگاه جوامع امروزی هستند که کیفیت و چگونگی برنامه‌های رسانه را تعیین و مطالبه می‌کنند.

بی‌تردید ماندگاری رسانه نیز در انطباق دادن خود با این نیازهای جدید و در واقع تولد مخاطبان جدید است. این از هوشمندی صاحبان این شبکه رادیویی است که با شناخت جامعه رسانه‌ای مدرن و مخاطبان آن، رادیویی راه‌اندازی کردند که هم از صدا بهره‌مند است و هم از تصویر کمک می‌گیرد، افزون بر این که همیشه مخاطبان رادیو کنجکاو بودند که برنامه‌های رادیویی را از نزدیک تماشا کنند و شاهد فرآیند تولید آن باشند تا تصویر مجری و مهمانان برنامه را هم داشته باشند. ایران صدا رسانه‌ای است که این امکان را برای کنجکاو مخاطبان فراهم کرده تا آنها هم ببینند و هم بشنوند.

تصویری شدن رادیو اما مخالفان خاص خود را هم دارد که معتقدند، نوستالژی بودن رادیو به دلیل تصویری نبودن آن است و تصویر، خاصیت حسی - عاطفی رادیو را کاهش می‌دهد. طبق نظریه مک‌لوهان درباره رادیو این رسانه گرم شرایطی فراهم می‌کند تا قوه تخیل و خیالپردازی مخاطب پرورش یافته و فعال شود، اما تصویری کردن آن به این ویژگی لطمه زده و چه بسا جذابیت و نیز اهمیت آن را از بین می‌برد.

این افراد همچنین معتقدند، تجربه تاریخی ارتباطات اجتماعی نشان داده است که هیچ رسانه‌ای نمی‌تواند جایگزین رسانه دیگر شود و هر کدام از رسانه‌ها به واسطه کارکردهای خاصی که دارد جایگاه خود را حفظ می‌کند و این تداخل رسانه‌ای، هویت رسانه‌ای آنها را مخدوش می‌کند. تحولاتی که در صورت و سیرت رادیو به‌عنوان یک رسانه در یک دهه گذشته اتفاق افتاد نشان می‌دهد رادیو همچنان زنده است و جعبه جادو صدا هم دارد. رسانه ملی تنها تلویزیون نیست. رادیو را نباید فراموش کرد.

اردیبهشت امسال، سیزدهمین جشنواره بین‌المللی رادیو در تهران برگزار می‌شود. این جشنواره، از جمله جشنواره‌های معتبری است که در سطح بین‌المللی برگزار می‌شود. جشنواره‌هایی دیگر مثل جشنواره نیویورک، لندن، زوریخ و... هم به صورت سالانه برای معرفی آثار برتر رادیویی در رشته‌های مختلف برگزار می‌شود.

البته رادیو، این رسانه ماندگار، در برگزاری این جشنواره‌ها کمی با بی‌مهری مواجه شده به طوری که شمار تعداد جشنواره‌هایی که مختص رادیو هستند، چندان زیاد نیست و جشنواره‌های مختلف، در کنار جوایز تلویزیونی، سینمایی و موسیقایی خود به آثار برتر رادیویی هم جوایزی اهدا می‌کنند. اتحادیه‌های مختلف رادیو تلویزیون در سراسر جهان هم از جمله نهادهای معتبری هستند که برنامه‌های تولید شده در رادیو را مورد ارزیابی قرار داده و برترین‌های خود را به طور سالانه معرفی می‌کنند. البته این اتحادیه‌ها در محدوده جغرافیایی خاصی فعالیت می‌کنند و جهانشمول نیستند. به‌عنوان مثال، اتحادیه رادیو - تلویزیون‌های آسیا و اقیانوسیه، هر سال جوایزی را به بهترین تولیدکنندگان رادیو و تلویزیون در قاره کهن (آسیا) اهدا می‌کند.

به بهانه برگزاری سیزدهمین جشنواره بین‌المللی رادیو در تهران، در این شماره قاب کوچک نگاه‌های خواهیم داشت به جشنواره‌های مهمی که سالانه برای نکوداشت برنامه‌های برتر رادیو و برنامه‌سازان رادیو برگزار می‌شود:

جشنواره بین‌المللی رادیو

جشنواره بین‌المللی رادیو، امسال وارد سیزدهمین سال فعالیت خود می‌شود. این جشنواره هر سال با حضور مهمانان و برنامه‌سازانی از کشورهای مختلف برگزار می‌گردد. حضور استادان دانشگاه، برگزاری پنل‌های تخصصی و ارائه مقالات مختلف، پیوند این جشنواره با فضای آکادمیک را حفظ و به برنامه‌سازان کمک می‌کند برنامه‌هایی مطابق دستاوردهای علمی روز دنیا در حیطه مخاطب و مخاطب‌شناسی تولید کنند.

ایجاد و تقویت انگیزه ابتکار، خلاقیت و نوآوری در برنامه‌سازان شبکه‌های رادیویی و پرورش ذوق و استعداد همکاران - ایجاد فضای رقابت سالم بین برنامه‌سازان از طریق تشویق نیروهای کارآمد، از جمله اهداف جشنواره بین‌المللی رادیو محسوب می‌شوند. البته این جشنواره، در هر دوره، با یک شعار محوری در حیطه رادیو فعالیت کرده است. رادیو، رسانه فردا؛ رادیو، رسانه مردم؛ رادیو، برای همه و در همه جا؛ رادیو، رسانه هم‌دلی، صدای زندگی؛ رادیو، رسانه پایدار، صدای ماندگار؛ رادیو، رسانه دانایی و آگاهی؛ رادیو، اطلاعات، جهان آگاهی؛ رادیو، رسانه زندگی؛ رادیو، صدای فرهنگ‌ها؛ رادیو برای همه در همه جا؛ رادیو، رسانه امید و آگاهی و رادیو، رسانه دیروز، امروز، فردا شعارهای این جشنواره در طول سیزده دوره بوده‌اند.

جشنواره بین‌المللی رادیو که مهمانان بین‌المللی زیادی دارد به منظور شناساندن فرهنگ ایرانی در شهرهای مختلف کشورمان برگزار شده است. اصفهان، مشهد، زیاکنار و تهران تاکنون میزبان این جشنواره بین‌المللی بوده‌اند. در ادامه نگاهی مجمل به سایر جشنواره‌های بین‌المللی رادیو می‌اندازیم.

جشنواره بین‌المللی نیویورک

این جشنواره که به صورت سالانه برگزار می‌شود، به بهترین برنامه‌های رادیویی جایزه و نشان افتخار می‌دهد. در این جشنواره، همه فرمت‌های برنامه‌سازی در رسانه رادیو به رقابت می‌پردازند و تندیس میکروفن رادیو به برگزیدگان جشنواره نیویورک اهدا می‌شود.

بخش‌های مختلف این جشنواره عبارتند از برنامه‌های خبری، گزارش خبری، مستند رادیویی، سرگرمی، گفت‌وگو محور، ستاره‌های رادیو، برنامه‌های صبحگاهی، برنامه‌های زنده، برنامه‌های ماهواره‌ای، پادکست، تبلیغات رادیویی. بخش ویژه‌ای نیز به دانشجوی برتر رشته روزنامه‌نگاری که فعالیت ویژه‌ای در زمینه رادیو انجام داده اهدا می‌شود.

جشنواره بین‌المللی صدا با همکاری سازمان ملل متحد، جایزه ویژه‌ای را از سال ۱۹۹۰ برای تقدیر از برنامه‌هایی که رویکرد ویژه‌ای به مقوله سلامت جهانی دارند در نظر گرفته است. اهداف سازمان ملل در این برنامه، مواردی مثل فقر و قحطی، آموزش، زنان، حقوق کودکان، ارتقای بهداشت و سلامت عمومی، مبارزه با ایدز، مالاریا و سایر بیماری‌ها را شامل می‌شود.

فینالیست‌های جشنواره نیویورک توسط تیمی از سازمان ملل مورد داوری قرار می‌گیرند تا در صورت دارا بودن این مشخصات، جایزه طلا، نقره و برنز سازمان ملل را کسب کنند.

شرکت در جشنواره بین‌المللی نیویورک برای همه برنامه‌سازان رادیویی در

سراسر جهان آزاد است و محدودیتی در این زمینه وجود ندارد؛ بر همین اساس یک گروه بین‌المللی از کارشناسان، شرکت‌ها و برنامه‌سازان مطرح در سطح جهانی، مسئولیت داوری آثار رسیده به این جشنواره را به عهده دارند.

جشنواره بین‌المللی زوریخ

جشنواره بین‌المللی زوریخ بزرگ‌ترین جشنواره رادیویی است که روی آنتن رادیو به صورت زنده پخش می‌شود و میلیون‌ها شنونده در سراسر جهان، این شناس را پیدا می‌کنند که به صدای جهان از طریق این جشنواره، گوش

جشنواره‌های صدایی جهان



خلاقانه تعلق می‌گیرد. نمایشنامه، مستند، گزارش خبری و برنامه‌های مباحثه‌ای از جمله بخش‌های حوزه رادیویی جوایز اتحادیه رادیو و تلویزیون‌های آسیا و اقیانوسیه هستند.

ABU با اتحادیه رادیو تلویزیونی منطقه‌ای در دیگر بخش‌های جهان در زمینه مسائل مشترک همکاری می‌کند و بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی برای آگاهی از تازه‌ترین تحولات در رادیو تلویزیون‌های عمومی ارتباط نزدیکی دارد.

جشنواره اتحادیه رادیو تلویزیون‌های بین‌المللی

اتحادیه رادیو تلویزیون‌های بین‌المللی یک اتحادیه صنعتی است که از رادیو تلویزیون‌های بین‌المللی حمایت می‌کند. این اتحادیه سال ۱۹۹۳ ایجاد شد و خیلی زود همکاری‌های بین‌المللی خود را در گستره قاره‌های مختلف از نیوزیلند تا ایالات متحده توسعه داد. این اتحادیه در زمینه مارکتینگ، بازار و شبکه، خدماتی به اعضای خود ارائه می‌دهد و مجله‌ای به نام کانال را منتشر می‌کند که در بیش از ۱۲۰ کشور توزیع می‌شود و شماره‌های آن به دست بیش از ۶۶۰۰ عضو ارشد فعالیت‌های رسانه‌ای در سراسر دنیا می‌رسد.

این اتحادیه، یک اتحادیه غیردولتی و عام‌المنفعه است که دفتر مرکزی آن در انگلستان واقع شده و شورای راهبردی آن توسط تیمی متشکل از کارشناسان بین‌المللی، تلویزیون‌آرته، دوپچه وله، صدای نیچریه و شبکه جهانی بی‌بی‌سی انتخاب می‌شوند.

اتحادیه رادیو تلویزیون‌های بین‌المللی، هر سال جشنواره‌ای برگزار می‌کند و از بهترین آثار رادیویی و تلویزیونی تقدیر می‌کند. این جشنواره سالانه، شرکت‌کنندگان زیادی از کشورهای مختلف جهان، تولیدکنندگان مستقل و برنامه‌سازان را به خود جلب می‌کند. آخرین دوره جشنواره رادیو تلویزیون‌های بین‌المللی سال ۲۰۱۳ برگزار شد. فراخوان سال ۲۰۱۴ نیز اعلام شده است.

جایزه اتحادیه رادیو تلویزیون‌های بین‌المللی از ده سال پیش راه‌اندازی شده و به بهترین آثار در بخش خبر، ورزش، علم، برنامه‌های کودک و نوجوان و مستندهای کوتاه جایزه می‌دهد.

این جایزه، اعتبار بین‌المللی فراوانی برای برنده‌اش به ارمغان می‌آورد و قضاوت برای اهدای جایزه توسط تیمی بین‌المللی و متشکل از برنامه‌سازان خبره و کارشناسانی از کشورهای مختلف انجام می‌گیرد.

این اتحادیه همواره بر برنامه‌های غیرسرگرمی و واقع‌گرا توجه دارد، چراکه معتقد است برنامه‌های سرگرم‌کننده، جشنواره‌های زیادی دارند که از آنها تقدیر کند. به اعتقاد اتحادیه رادیو تلویزیون‌های بین‌المللی، جذب مخاطب به یک برنامه گفت‌وگو محور یا خبری، بسیار سخت‌تر از جذب مخاطب به سمت یک برنامه سرگرم‌کننده است. با این حال اگر روایت از خبر یا یک حادثه به خوبی انجام شود، روایت خوب، مخاطبان بسیاری با خود به همراه خواهد آورد.

اتحادیه یاد شده همچنین به بهترین اجرای زنده نیز جایزه می‌دهد. داوران در این بخش به خلاقیت و صمیمیت با مخاطب توجه می‌کنند و هر دوی این عوامل را در راستای گزارش یک داستان خبری به مخاطب موثر می‌دانند.

جایزه آفریقای جنوبی (ام.تی.ان)

از آنجایی که رادیو در کشورهای آفریقای جنوبی یکی از نخستین انتخاب‌های هر مخاطب است، جایزه ویژه‌ای برای بهترین برنامه رادیویی در این کشورها در نظر گرفته شده است. این جایزه به افراد یا گروه‌هایی تعلق می‌گیرد که تجربه، استعداد و سختکوشی را در کارشان ترکیب کنند و حاصل آن رضایت مخاطبان‌شان باشد.

رادیو در کشورهای آفریقای جنوبی هنوز در خط اول جبهه رسانه‌ای قرار دارد و مردم این کشورها ترجیح می‌دهند، برای شنیدن اخبار و دست پیدا کردن به تازه‌های روز از این رسانه استفاده کنند. از این رو، جایزه ام.تی.ان به دنبال برنامه‌سازان و سازمان‌های رسانه‌ای است که علاوه بر فراهم کردن فضای شاد، اطلاعات مورد نیاز مخاطبان‌شان را برای آنها در دسترس قرار دهد. البته این جایزه تاکید زیادی روی استفاده از رادیو برای افزایش شادی در جامعه دارد.

این جایزه، برنامه‌های رادیویی را در بخش‌های مختلف به رقابت می‌گذارد. البته بخش ویژه‌ای نیز برای بهترین پدیده رادیو در هر سال در نظر گرفته شده است. ام.تی.ان سال ۲۰۱۴ پنجمین مراسم سالانه خود را برگزار می‌کند.

فرا دهند. این صدا در طول چهار روز برگزاری جشنواره جهانی زوریخ روی آنتن رادیوهای سرتاسر جهان شنیده می‌شود.

رویکرد این جشنواره بیشتر به موسیقی رادیویی است، اما در خلال فعالیت خود سعی می‌کند که نیم‌نگاهی هم به فعالیت‌های خیریه داشته باشد به همین دلیل، مبالغی را هم به این امر اختصاص می‌دهد و مخاطبان و شرکت‌کنندگان خود را هم به مشارکت در امور خیریه دعوت می‌کند. جشنواره جهانی زوریخ، هر ساله مبالغی را بر درمان بیماران که مشکل شنوایی دارند و همچنین مطالعه بر روی بیماری‌های شنوایی و درمان آنها اختصاص می‌دهد.

شعار جشنواره رادیویی زوریخ این است: صدای جهان را بشنوید. بر همین اساس هم این جشنواره از شنودگان بین‌المللی خود دعوت می‌کند صدای جهان را از پایگاه‌های رادیویی این جشنواره بشنوند و وقایع را به صورت زنده دنبال کنند. این جشنواره قصد دارد آگاهی جهانی از موسیقی را بین مخاطبان خود بالا ببرد و آنها را به شریک کردن دیگران در تجربه‌های موسیقایی خود تشویق می‌کند.

جشنواره اتحادیه رادیو تلویزیون‌های آسیا-اقیانوسیه

ABU یا همان اتحادیه رادیو تلویزیون‌های آسیا اقیانوسیه سال ۱۹۶۴ تأسیس شد. این اتحادیه با ۱۷۰ عضو از ۵۳ کشور جهان یکی از بزرگ‌ترین و حرفه‌ای‌ترین اتحادیه‌های رسانه‌ای در سطح جهان است. این اتحادیه از سال ۱۹۶۴ شروع به کار کرده و با هدف همکاری، هماهنگی، فعالیت‌های مشترک و رایزنی در حوزه‌های برنامه‌ای، فنی، آموزشی، ورزشی، حقوقی و نیروی انسانی در میان اعضاء برای تقویت و توسعه رادیو تلویزیون‌های منطقه آسیا و اقیانوسیه فعالیت می‌کند. این اتحادیه با سه میلیارد مخاطب در کشورهای مختلف بزرگ‌ترین و گسترده‌ترین تشکل رادیو - تلویزیونی در جهان به شمار می‌رود.

اتحادیه رادیو تلویزیون‌های اسلامی هر ساله جشنواره‌ای شامل گروه‌های مختلف برنامه‌ای برگزار می‌کند و به برگزیدگان جایزه می‌دهد. رقابت‌های این دوره در شش بخش رادیویی و هفت بخش تلویزیونی برگزار می‌شود. در هر حوزه نیز، دو جایزه ویژه هیات داوران به آثار برجسته و

جشنواره؛ فرصتی برای دیده شدن صداهای رادیو

ملیکا شریفی نیا بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون درباره اهمیت برگزاری جشنواره رادیو می‌گوید: به نظر من لازم است هر ارگان و سازمانی به برگزاری جشنواره‌ها توجه داشته باشد. جشنواره رادیو اتفاق خیلی مثبتی است. گرچه همه با رادیو آشنا هستند، اما برگزاری جشنواره باعث معرفی بهتر برنامه‌های رادیویی به مردم می‌شود.



کسانی که در رادیو کار می‌کنند، هیچ وقت تصویرشان دیده نمی‌شود، اما جشنواره رادیو فرصتی است برای این که آنها دیده شوند و کارشان در معرض داوری قرار بگیرد.

وی می‌افزاید: جشنواره رادیو حتی به کسانی که تمایل دارند در این رسانه کار کنند یا علاقه‌مند هستند به نوعی با آن ارتباط داشته باشند، کمک

می‌کند. همچنین در فرهنگسازی گوش دادن به رادیو موثر است. این جشنواره و جشنواره‌هایی نظیر آن کمک می‌کنند تا مردم بیشتر در جریان برنامه‌سازی رادیو قرار بگیرند و بدانند که چه عواملی دست به دست هم می‌دهند تا یک برنامه تولید شود و ما آن را بشنویم. امیدوارم که این جشنواره حتی در فاصله‌های زمانی کوتاه‌تری هم برگزار شود.

این بازیگر با توضیح این که رابطه خوبی با رادیو دارد، می‌گوید: من تا به حال در برنامه‌های رادیویی زیادی به‌عنوان مهمان حضور داشتم و با من در این رسانه زیاد مصاحبه شده است. باید به همه کسانی که برای حیات و فعالیت رادیو تلاش می‌کنند خسته نباشید بگویم. به نظر رادیو رسانه‌ای است که با عامه مردم در ارتباط است و در بسیاری از جاها صدای آن به گوش می‌رسد؛ از تاکسی گرفته تا مکان‌های مختلف دیگر.

شریفی نیا تصریح می‌کند: متأسفانه به دلیل این که سر کارهای دیگری هستم، نمی‌توانم زمان دقیقی را به فعالیت در رادیو اختصاص دهم، اما دوست دارم با رادیو همکاری کنم، زیرا رادیو رسانه محترمی است و هر کسی دوست دارد تا با رسانه‌های آبرومند همکاری کند.

پژمان بازغی: صبح جمعه با شما به یادماندی بود

پژمان بازغی، بازیگر شناخته شده سینما و تلویزیون می‌گوید: امروزه با وجود انواع رسانه‌های مختلف مثل تلویزیون، سینما و اینترنت، رادیو همچنان کار خود را می‌کند و به نظر من تاثیر بسیار زیادی در جامعه ما داشته است.



وی می‌افزاید: من به طور معمول در طول روز به هنگام رفتن به محل کار، برنامه‌های مختلف رادیویی را گوش می‌دهم مثلاً هنگام پخش یک مسابقه مهم ورزشی مثل فوتبال که قادر به دیدن آن از طریق تلویزیون نباشم به واسطه رادیو، آن مسابقه را دنبال می‌کنم.

وی خاطر نشان می‌کند: رادیو به‌عنوان رسانه‌ای که خیلی زودتر از تلویزیون وارد ایران شد، در نسل‌های گذشته و در جامعه کنونی ما تاثیر بسیار زیادی داشته و دارد و امروزه با وجود انواع رسانه‌های مختلف مثل تلویزیون، سینما و اینترنت، رادیو همچنان کار خود را می‌کند و به نظر من تاثیر بسیار زیادی در جامعه ما داشته است.

بازغی درباره برنامه‌های مورد علاقه خودش می‌گوید: هنگامی که در تهران باشم، به رادیو پیام گوش می‌دهم، زیرا خاصیت خبری و اطلاع‌رسانی بسیار قوی در حوزه‌های مختلف مثل اخبار ترافیکی دارد. همچنین موزیک‌های بسیار خوبی نیز پخش می‌کند و در صورتی که در شهرستان باشم سعی می‌کنم رادیوهای شهرستان را گوش دهم.

بازغی ادامه می‌دهد: رادیو «اوا» نیز به دلیل برخورداری از برنامه‌های بسیار خوب و متنوعی همچون آثار کلاسیک، پاپ و سنتی از برنامه‌های مورد علاقه من است، البته برنامه‌های رادیو نمایش را نیز می‌پسندم، اما به دلیل این که این بخش بتازگی راه‌اندازی شده (حدود دو سال) و اطلاع‌رسانی دقیقی درباره موج آن نشده، گاهی اوقات به طور اتفاقی موفق به شنیدن برنامه‌های آن می‌شوم.

این بازیگر تصریح می‌کند: در سال‌های نه‌چندان دور برنامه‌های پرطرفداری همچون صبح جمعه با شما با هنرنمایی مرحوم نودری از رادیو پخش می‌شد و توجه بسیاری از شنوندگان را در روزهای جمعه به این جعبه جادویی جلب می‌کرد که تاثیر بسیار زیادی در جامعه ما داشت. به نظر من جذابیت این برنامه در شکل اجرا، نوشته‌ها و نمایشنامه‌هایی بود که پخش می‌شد. فکر می‌کنم در صورت ساخت مجدد چنین برنامه‌هایی، رادیو مخاطبان بسیار زیادی را جذب خواهد کرد.

بازغی با اشاره به تاثیر مثبت برگزاری جشنواره بین‌المللی رادیو در پیشرفت رادیو خاطر نشان می‌کند: اصولاً هر چیزی که برای بهتر شدن آن تجمعی صورت می‌گیرد، حتماً تاثیر بسیار زیادی خواهد داشت، به این منظور برگزاری جشنواره بین‌المللی رادیو کاملاً مثبتی در جهت پیشرفت رادیو است.

برنامه‌های ورزشی رادیو جذابیت خاصی دارد



بیژن ذوالفقارنسب پیشکسوت فوتبال می‌گوید: گزارشگران برنامه‌های ورزشی رادیو با هنرمندی خاصی مسابقات ورزشی را به تصویر می‌کشند.

بیژن ذوالفقارنسب از ورزشکاران، مربیان و صاحبان تخصصی تحصیله‌کرده عرصه ورزش تاکید می‌کند: رادیو یکی از تاثیرگذارترین رسانه‌های ارتباط جمعی در ایران و جهان است که با تولید و پخش برنامه‌های مختلف زمینه اطلاع‌رسانی و آگاهی بخشی مخاطبان را فراهم می‌آورد. وی با اشاره به این که رادیو در عصر حاضر یکی از مهم‌ترین وسایل ارتباط جمعی است، تصریح می‌کند: با توجه به پیشرفت‌های سریع فناوری هنوز رادیو ویژگی‌های خاص خود را دارد که تقریباً با هیچ یک از رسانه‌ها مشترک نیست.

وی از جمله این کارکردهای ویژه رادیو را، سرعت زیاد و دامنه نفوذ گسترده عنوان کرده و می‌گوید: این وسیله ارتباطی در مدت زمان بسیار کوتاهی اخبار مختلف بین‌المللی را به مخاطبان جهانی می‌رساند، در واقع رادیو یکی از امن‌ترین و مطمئن‌ترین کانال‌های اطلاع‌رسانی در جهان است.

این مربی ورزش فوتبال با اشاره به تنوع برنامه‌های تولید شده در رادیو خاطر نشان می‌کند: شبکه‌های رادیویی برنامه‌های متنوعی در حوزه‌های گوناگون تولید می‌کنند که در این میان برنامه‌های ورزشی از جذابیت و کیفیت خاصی برخوردار است.

وی می‌افزاید: گزارشگران برنامه‌های ورزشی رادیو با هنرنمایی خاصی مسابقات ورزشی را گزارش و تصویرسازی کرده و با تصویرسازی مناسب به نحوی برنامه را برای مخاطب جذاب و شنیدنی می‌کنند.

ذوالفقارنسب این ویژگی را منحصر به رادیو عنوان کرده، می‌افزاید: در دیگر رسانه‌ها با فراهم آوردن مقدمات بسیار زمانگیر، تصویرسازی و انتقال موضوع انجام می‌پذیرد، اما رادیو رسانه‌ای آسان و سهل‌الوصول است که در سریع‌ترین زمان ممکن و با حداقل امکانات اطلاعات در اختیار مخاطبان قرار می‌دهد و در بخش ورزش نیز رادیو رسانه‌ای درخشان و مطمئن است.

این مربی سرشناس فوتبال درباره اهمیت جشنواره‌های رسانه‌ای تصریح می‌کند: جشنواره صدا اگر بتواند در گردهمایی خود شاخصه‌های مهم رسانه‌ای برای جذب مخاطب و لحاظ کردن عنصر جذابیت در بخش‌های مختلف را در برنامه‌سازی ارتقا بخشد می‌تواند یک اتفاق خوب و حرکت نمونه باشد.

وی می‌افزاید: با توجه به قدمت رادیو و اثرگذاری آن در جامعه، برگزاری جشنواره صدا گامی موثر برای تثبیت و ماندگاری این رسانه در جمع دیگر رسانه‌هاست.

جشنواره رادیو به کارآمدی رسانه‌ها کمک می‌کند



احمد مسجدجامعی، رئیس دوره چهارم شورای اسلامی شهر تهران معتقد است، رادیو راحت‌ترین رسانه عمومی است و به دلیل دسترسی آسان، می‌تواند خیلی تاثیرگذار باشد.

مسجدجامعی با بیان این که بیشتر برنامه‌های فرهنگی رادیو را دنبال می‌کند، می‌گوید: من بیشتر به برنامه‌ها و بخش‌های فرهنگی علاقه‌مندم و بصراحت اعلام می‌کنم رادیو را بر تلویزیون ترجیح می‌دهم و مهم‌ترین علت آن نیز دسترسی آسان رادیو و صمیمیتی است که بر آنجا حاکم است.

مسجدجامعی درباره برگزاری جشنواره بین‌المللی رادیو تصریح می‌کند: برگزاری این گونه جشنواره‌ها بسیار خوب و از نظر من مثبت ارزیابی می‌شود. چنین جشنواره‌هایی که در محیط‌های صمیمی برگزار و موجب رقابت برنامه‌سازان می‌شود، می‌تواند گام‌های موثری در ارتقای کیفیت برنامه‌سازی بردارد. باید گفت جشنواره‌ها به کارآمدی و کارایی رسانه‌ها کمک می‌کند و جنبه زیباشناسی برنامه‌ها را نیز مورد توجه قرار می‌دهد.

وی ادامه می‌دهد: با توجه به این که در دوره کنونی کانال‌های زیادی راه‌اندازی شده، آنچه باید در شرایط کنونی مدنظر قرار داد، کیفیت برنامه‌هاست. در واقع همین کیفیت است که حرف اول را می‌زند.

مسجدجامعی در پاسخ این پرسش که برای جذب مخاطبان امروزی چه تدابیری باید اندیشید، می‌افزاید: مخاطبان زمانی که احساس کنند به نیازها و دغدغه‌های آنها توجه می‌شود و برنامه‌سازان به مشکلات مردمی توجه می‌کنند و پیگیر مسائل آنها هستند، جذب رسانه می‌شوند و از آنها حمایت می‌کنند و اعتمادشان بیشتر می‌شود و روابط نزدیکی برقرار می‌شود.

وی در پاسخ این پرسش که حضور مهمانان و مسئولان در برنامه‌های رادیویی تا چه میزان تاثیرگذار است، خاطر نشان می‌کند: حضور صرف مهمان در برنامه مهم نیست بلکه این برنامه است که باید صمیمی باشد و ارتباط تنگاتنگ و خوبی با مخاطبان خود برقرار کند، در مراحل بعدی است که رسانه به عنوان پل ارتباطی می‌تواند ارتباط مستقیمی بین مسئولان و مردم برقرار کند.

وی می‌افزاید: باید برنامه‌های متنوعی را برای مخاطبان تدارک دید. توجه به جایگاه، سطح تحصیلات، شغل، دیدگاه و باورها و حتی گرایش افراد در ساخت برنامه‌ها حائز اهمیت است. من معتقدم باید پیوسته و مدام پیگیر مسائل روز بود و مطابق تحولات روز برنامه‌سازی کرد.

مسجدجامعی درباره شعار سال نیز می‌گوید: همان گونه که نگاه فرهنگی در تاکید رهبر معظم انقلاب بیشتر و مهم‌تر از اقتصاد بود، باید گفت نگاه فرهنگی به این معناست که به کالبد نیز نگاه فرهنگی داشته باشیم و ساخت و سازها و نوسازی‌ها نیز بر مبنای هویت و فرهنگ ایرانی و اسلامی باشد و با فرهنگ ما سنخیت داشته باشد.

جشنواره سیزدهم؛ فرصتی برای کشف استعداد های پنهان

مدیر کل سلامت شهرداری تهران می گوید: سیزدهمین جشنواره بین المللی رادیو فرصتی برای ایجاد تعامل و برقرار ارتباط بیشتر با برنامه سازان و هنرمندان است و از طریق برگزاری چنین جشنواره هایی است که ظرفیت ها و استعداد های جدید شناسایی می شوند.

دکتر محمدمهدی گلمکانی، مدیر کل سلامت شهرداری تهران با بیان این که در بحث سلامت هر چقدر رسانه ها زیاد و تخصصی تر باشند تاثیر گذاری بیشتری دارند، می افزاید: شبکه های رادیویی به علت در دسترس بودن از تاثیر گذاری بیشتری روی مخاطبان برخوردار است و بیشتر شهروندان در طول روز به آسانی می توانند رادیو گوش دهند. همین موضوع فرصت مناسبی برای شبکه های رادیویی است تا با ابزار های جدید و خلاقانه از طریق پیام های کوتاه، اما جذاب موضوعات مهم و مسائل روز را به مخاطبان ارائه دهند.



وی ادامه می دهد: شبکه های رادیویی می توانند با برقرار کردن ارتباط با سازمان های اجتماعی و نهادها و همچنین حضور مستمر در برنامه ها جایگاه مطلوبی در میان رسانه های خبری پیدا کنند و سبب ارتقای دانش و آگاهی مخاطبان خود شوند. گلمکانی خاطر نشان می کند: برنامه سازی با حضور کارشناسان و متخصصان، استفاده از قالب های جدید همچون داستان، طنز و... و طراحی و برنامه سازی از طریق ابزار های نو و خلاقانه در شبکه های رادیویی می تواند به افزایش دانش و افزایش تاثیر گذاری روی مخاطبان بینجامد. وی با بیان این که سعی کردم از برنامه های رادیویی رسانه ملی بیشترین استفاده را ببرم، می افزاید: شبکه های رادیویی می توانند از طریق برنامه سازی ها یک بسیج همگانی را در زمینه احساس مسئولیت پذیری شهروندان ایجاد کنند. رسانه های ارتباط جمعی کاری کنند که شهروندان نسبت به مواردی که سلامت جامعه را تهدید می کنند، احساس مسئولیت داشته باشند. مدیر کل سلامت شهرداری تهران با اشاره به ضرورت برگزاری سیزدهمین جشنواره بین المللی رادیو و پنجمین اجلاس جهانی صدا در ایران تصریح می کند: جشنواره فرصتی برای ایجاد تعامل و برقرار کردن ارتباط بیشتر با برنامه سازان و هنرمندان است و از طریق برگزاری چنین جشنواره هایی است که ظرفیت ها و استعداد های جدید شناسایی می شود و برنامه ریزان و مسئولان می توانند بر اساس اولویت های کاری و نیازمندی های شان از این استعدادها استفاده کنند.

رادیو، رسانه ای تصویر ساز است

محبوبه بیات، بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون درباره رادیو می گوید: رادیو به دلیل قدرت تخیل و تصویر سازی تاثیر گذاری اش از رسانه های تصویری بیشتر است و به ما اجازه می دهد خودمان در رابطه با مباحث مطرح شده در آن تصویر سازی کنیم.



وی با اشاره به جایگاه رادیو در بین مخاطبان ایرانی، می گوید: من گاهی اوقات داخل ماشین و گاهی که برخی از دوستان من را از پخش برنامه ای مطلع می کنند به رادیو گوش می دهم و در این میان رادیو جوان و رادیو نمایش را بیشتر می پسندم و با توجه به حرفه ام بیشتر به رادیو نمایش گوش می دهم. بیات صمیمیت موجود در رادیو را عامل جذب مخاطب عنوان می کند و ادامه می دهد: با توجه به صمیمیت رادیو در بین اقشار مختلف جامعه، مردم احساس نزدیکی بیشتری با آن دارند حتی در بین مردم دیده ام که برخی از خانم های خانه دار صبح ها همزمان با انجام امور خانه رادیو را روشن و به آن گوش می کنند و حتی برخی از رانندگان حرفه ای از رادیو به عنوان تنها وسیله ای که به آنها آرامش می دهد استفاده می کنند، چون خستگی ترافیک و مشکلات روز را برایشان کمتر می کند.

این بازیگر با اشاره به خاطرات دوران کودکی خود درباره رادیو می گوید: من به طور کلی قصه های رادیویی را دوست دارم و به یاد دارم که در دوران کودکی ام شب ها همگی با هم به قصه های شب آن گوش می دادیم؛ به این ترتیب رادیو برای ما خاطره سازی بسیاری می کرد.

رادیو کمتر به مسائل حاشیه ای می پردازد

حمید استیلی، بازیکن سابق تیم ملی و مربی فوتبال می گوید: کارشناسان برنامه های ورزشی رادیو بدون حاشیه پردازی به ریشه یابی عمیق مسائل ورزشی می پردازند.

حمید استیلی، بازیکن سابق تیم ملی فوتبال ایران تصریح می کند: رادیو در میان سایر رسانه ها از قدمت بیشتری برخوردار بوده و در سال های اخیر روند رو به رشدی داشته است.

استیلی با اشاره به رشد کیفی برنامه های ورزشی در رادیو می گوید: سال به سال بر کیفیت برنامه های رادیو افزوده شده و برنامه هایی خوب و مطلوب بویژه در حوزه ورزش تولید می شود.

این مربی فوتبال کشور با اشاره به ریشه یابی عمیق مسائل ورزشی در برنامه های رادیویی می گوید: رادیو برنامه های بسیار خوب و تاثیر گذاری بویژه در حوزه ورزش تولید می کند و کارشناسان این برنامه ها بدون حاشیه پردازی با دید عمیق به ریشه یابی مسائل و مشکلات حوزه ورزش کشور می پردازند.

استیلی تاکید می کند: رادیو نسبت به دیگر رسانه ها کمتر به مسائل حاشیه ای می پردازد و با طرح مباحث مناسب، تاثیر گذار و بررسی های کارشناسانه، مباحث و موضوعات پیش روی ورزش را تحلیل و بررسی می کند.

این عضو سابق تیم ملی فوتبال ایران و مربی ورزشی می افزاید: رادیو به عنوان یک رسانه نقش مهمی در افزایش میزان آگاهی و ارتقای سطح کیفی زندگی انسان ها بر عهده دارد، به نحوی که این رسانه در مدت زمان کوتاهی اخبار، تحلیل های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی برنامه های ورزشی و آموزشی مفید را به نحو شایسته ای به مخاطبان انتقال می دهد.

وی برگزاری جشنواره های رادیویی را عامل مهمی در ارزیابی نقاط قوت و ضعف رادیو عنوان و خاطر نشان می کند: برگزاری چنین جشنواره هایی بستری برای رشد برنامه های رادیویی و افزایش کیفیت برنامه هاست.

ضرباهنگ رادیو عجولانه نیست

علی اصغر غلامرضایی، معاون آموزش و پژوهش رسانه ملی معتقد است ضرباهنگ رادیو عجولانه نیست.

دکتر غلامرضایی ضمن اشاره به اهمیت برگزاری جشنواره های گوناگون در حوزه رسانه خاطر نشان می کند: جشنواره ها معمولاً آینه تمام نمای آثار و فعالیت هایی است که در طول سال یا سال ها انجام شده است. به نظر بنده برای معرفی این آثار به بهترین شکل، جشنواره ها محل و فرصتی است که افراد کنار یکدیگر جمع شوند و تولیدات یکدیگر را ملاحظه کنند. از طرفی، تولیدات دآوری شده و نتایج بعد از مشخص شدن به مردم معرفی می شود. جشنواره، محل تضارب افکار، داوری، شناخت آثار و از یک جهت هم معرفی کننده آثار به مردم است. همچنین به عنوان رابط منسجمی است که این آثار تولیدی برای آنها تولید می شود. به همین دلیل معمولاً تمام دستگاه هایی که کارهای مختلف می کنند آثار خودشان را در جشنواره ها قرار می دهند که مورد محک و آزمایش قرار گیرد.

معاون آموزش و پژوهش رسانه ملی می افزاید: چندین سال است جشنواره بین المللی رادیو که به صورت کشوری و بین المللی برگزار می شود و آثاری که در رادیو تولید شده و با مردم ارتباط برقرار کرده است، از جهات متعددی داوری شده و برترین ها و آنهایی که تلاش بیشتری داشته اند، شناخته و معرفی می شوند. لذا این ویرتین و آینه تمام نما برای شناساندن این کارها و این که یک اثر برای دیگران الگو بشود به عنوان یک اثر شاخص، کار خیلی خوب و مهمی است. امیدواریم که جشنواره امسال هم بخوبی برگزار شود و آثار خود را به جامعه رادیویی کشور معرفی کند. وی ضمن اشاره به جایگاه و اهمیت بین المللی بودن جشنواره رادیو می گوید: جشنواره ها حتی به شکل داخلی، محل و کلاسی است برای تعاطی افکار و شناخت آثار که اگر این راه هم به شکل بین المللی حساب کنیم، کسانی که از سایر کشورها به محل جشنواره می آیند، نسبت به فضای رادیو در جهان، شناخت بهتری به ما و برنامه سازان می دهند. یعنی ما چند پله جلوتر نسبت به افرادی که در این کره خاکی از طریق رادیو ارتباط برقرار می کنند، شناخت بهتری می توایم پیدا کنیم. لذا حضور استادان در این جمع می تواند کمک آموزشی - پژوهشی کند به مجموعه برنامه سازان رادیویی که آنها از خلال کارهایی که تولید کردند یا نشست ها و سمینارهایی که ارائه می کنند در جشنواره می توانند فضای عمومی دنیا را هم بهتر بشناسند. از مزایای مهم رادیو سهل الوصول بودن آن است. هر چند که با نصب مانیتورها امکان استفاده از تلویزیون فراهم شده است، اما مطلقاً نمی تواند جای تلویزیون در منزل را بگیرد.

من بعضی از برنامه های رادیویی را بر حسب علایق خود به صورت ثابت و بعضی دیگر را منظم گوش می کنم، چون ضرباهنگ رادیو مانند تلویزیون عجول نیست. برنامه های رادیو معارف را بر حسب رشته تحصیلی تعقیب می کنیم. همچنین رادیو آوا را - که یکی از شبکه هایی است که در جامعه موسیقایی ما ماندگار است - معمولاً گوش می کنم. برنامه های صبحگاهی را هم در مسیر گوش می کنم. البته یک رادیو کوچک هم داریم که هر جا می روم با خودم می برم و به آن گوش می کنم.



استثنای ترین منطقه تهران
شیراز شمالی - شیخ بهایی شمالی
۲۴۵ متر - ۴ خوابه - برج باغ - وبو ابدی
مشاعات وسیع - فول امکانات - ۲ پارکینگ
تکمدار ۰۹۱۲۳۶۸۸۱۵۱

اکازیون واقعی
فروش واحد تجاری در موقعیت بسیار ویژه
منطقه ۲۲ تهران مجتمع تجاری تهران مال
تلفن تماس: ۰۹۳۸۴۵۵۸۸۸۰

موقعیت اداری = مسکونی
خیابان پاسداران، خیابان کشوری، خیابان مسجد جامع
۱۳۵۰ متر بنای مفید، ۵ طبقه ۲ واحدی، نوساز
فول امکانات فروش یا معاوضه با کلنگی در محدوده
۰۹۱۹۳۶۷۰۸۹۹ - ۳۳۶۴۱۴۹۸

بتن آماده سنگ شکن غرب
(شاه حمزه)
تولیدکننده بتن آماده استاندارد
۲۲۳۸۰۰۲۳ - ۲۵

یک واحد پنت هاوس
۲ واحد آپارتمان ۱۲۷ و ۱۱۲ متری، نوساز
با امکانات عالی واقع در برج معروف منطقه
فریدونکنار، سرخورد، خیابان ۴۰ متری
کثرت دریا یا قیمت استثنایی بهترش می رسد
۰۹۱۲۷۳۳۳۳۶۴

رودهن - انتهای لاله صحرا
خیابان الهیه قطعه ۲۹ - ۲۱۴ متر زمین مسکونی
۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰
قیمت ۲۲۵ میلیون مقطوع
۰۹۱۰۰۶۲۴۲۲۸

آکهی مفقودی
برگ سبز خودرو و سمند
به شماره موتور ۱۲۴۹۰۰۲۴۲۹۴ و شماره شاسی
NAAC91CC4BF858582 و شماره پلاک
۱۴۱۱۷ ایران ۶۶ پیمان عصمت باباخان هر فیتی
مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد.

جشنواره صدا؛ حضور پرشور و فعال جامعه رادیویی کشور

دریادار پاسدار علیرضا تنگسیری، جانشین نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درباره برگزاری جشنواره رادیو می‌گوید: جشنواره رادیو فرصتی برای شناساندن فرهنگ اصیل ایرانی و فرهنگ ناب اسلام و جذب مخاطبانی که گرایش به شبکه‌های بیگانه دارند، است.



وی می‌افزاید: برگزاری چنین جشنواره‌هایی باعث انگیزه بالای دست‌اندرکاران و نمایش حضور پرشور و فعال جامعه رادیویی کشور در ایفای نقش خود در جامعه است. همچنین هنگام برگزاری این جشنواره‌ها می‌توان به نقاط ضعف و قوت برنامه‌های رادیویی و مقایسه با شبکه‌های مختلف جهانی که متأسفانه در جهت منافع غیربشری و دولت‌های زورگو و

استکبار فعالیت می‌کنند، پرداخت و جهت رفع یا تقویت آنان اقدام‌های مفیدی را انجام داد. وی که خود شنونده همیشگی برنامه‌های رادیوهای معارف، قرآن، فرهنگ و ایران است، از رادیو به عنوان بهترین وسیله ارتباطی راحت یاد کرده و می‌گوید: رادیو در چند سال اخیر با توجه به افزایش تعداد شبکه‌ها و تنوع در برنامه‌ها باعث شده مخاطبان فراوانی از تمام اقصای جامعه به خود جذب نماید.

جانشین نیروی دریایی سپاه با اشاره به پخش برنامه‌های رادیویی روی ماهواره می‌افزاید: پخش برنامه‌های رادیویی روی ماهواره باعث شده در بیشترین نقاط کوهستانی و حتی دوردست خارج از کشور هم بتوان برنامه‌های رادیو را گوش داد. در همین سفری که در ایام عید امسال به کشور قطر داشتم وقتی صدای رادیو ایران را می‌شنیدم برای من جای خوشحالی و غرور داشت.

سردار تنگسیری، نقش رادیو را در دوران جنگ نقش‌ی بسیار ارزنده و قابل تحسین دانسته، می‌گوید: رادیو در دوران دفاع مقدس خدمات ارزنده‌ای را به جامعه نمود. در واقع رادیو مونس و یاور بچه‌های جنگ در جبهه‌ها بود.

وی در پایان تصریح می‌کند: امروز نقش رادیو برای دفاع از فرهنگ هر کشور نقشی بسیار سازنده و مفید است.

رادیو؛ رسانه‌ای متعلق به همه

مجید مظفری از بازیگران پیشکسوت عرصه‌های تئاتر، سینما و تلویزیون، رادیو را همراه همیشگی لحظه‌های خود در هنگام رانندگی عنوان کرده و می‌گوید: رادیو رسانه‌ای است که هم نسل‌های گذشته از آن خاطره دارند و هم نسل جدید به آن علاقه‌مندند. این بازیگر در ادامه می‌افزاید: هر زمان که پشت فرمان و مشغول رانندگی باشم، پیچ رادیو باز است و برنامه‌های آن را دنبال می‌کنم. من رادیو را بسیار دوست دارم و فکر می‌کنم این احساس همه مردم به این رسانه باشد. بسیاری از آنها به رادیو گوش می‌دهند، بویژه زمانی که در سفر یا در اتومبیلشان هستند. خود من هم در این مواقع گوش کردن به رادیو را بر موسیقی ترجیح می‌دهم.



مظفری درباره دلایل ماندگاری رادیو می‌گوید: به نظر من یکی از دلایلی که رادیو تا به حال همچنان توانسته به عمر خود ادامه دهد و به‌عنوان رسانه‌ای پویا شناخته شود، این است که هر رسانه‌ای کارکرد و جایگاه خاص خودش را دارد و نقش خاصی را در زندگی مردم ایفا می‌کند. برای مثال امروزه کتاب‌های اینترنتی زیادی تهیه و تنظیم شده‌اند، اما هیچ کدام جای کتاب چاپی را نگرفته‌اند و باز هم می‌بینیم که مردم علاقه بیشتری به کتاب‌های چاپی دارند.

درباره رادیو هم همین اتفاق افتاد. شاید عده‌ای تصور می‌کردند که با ظهور تلویزیون و بقیه رسانه‌ها عمر رادیو به پایان برسد، اما نه تنها این رسانه از بین نرفت، بلکه پیشرفت کرد و پرمخاطب‌تر از گذشته به کارش ادامه داد. به نظر من حتی مردم از رادیو بیشتر از تلویزیون رضایت دارند. برنامه‌ها و نمایشنامه‌های رادیویی را دنبال می‌کنند. جالب است بدانید مصاحبه‌هایی که من با رادیو انجام می‌دهم گاهی بازخوردهای بیشتری از مطبوعات یا تلویزیون دارد. حتی کسانی که خیلی اهل گوش کردن به رادیو نیستند باز هم می‌بینیم که بعضی برنامه‌ها را به خوبی می‌شناسند.

مظفری خاطر نشان می‌کند: رادیو اختراعی بود که خیلی زود شناخته شد و در بین مردم جا باز کرد. یادم هست یکی از علاقه‌های مهم من در سال‌های نوجوانی دور این بود که سیم گوشه‌ی سنسور داری را به رادیو وصل کنم به ناودان بروم و به رادیو گوش دهم. زیرا تنها در ناودان بود که رادیو را می‌توانستم دریافت کنم و گاهی حتی تا صبح به برنامه‌ها گوش می‌دادم. به نظر من رادیو رسانه‌ای است که هم نسل قدیم از آن خاطره دارند و هم نسل جدید.

مظفری برگزاری جشنواره را عامل مهمی برای تشویق برنامه‌سازان و پیشرفت بیشتر رادیو دانسته و می‌گوید: برگزاری جشنواره برای رسانه‌ای با ویژگی‌های رادیو می‌تواند عملکرد تشویقی داشته باشد. ضمن این که موجب بالندگی و پیشرفت هر چه بیشتر این رسانه و برنامه‌هایش می‌شود.

رادیو سنگ تمام گذاشته است



حبیب کاشانی، یکی از اعضای شورای شهر تهران است که سابقه سه دوره حضور در شورای اسلامی شهر تهران را دارد. او با اشاره به این که رادیو همراه تمام نشدنی ماست، تصریح می‌کند: رادیو جزئی لاینفک از زندگی است که با برنامه‌های متنوع در شبکه‌های مختلف از جمله رادیو ورزش، فرهنگ، تهران یا آوا مخاطبان خاص خود را جلب کرده و روز به روز با استقبال بیشتری روبه‌رو می‌شود.

وی با بیان این که بیشتر برنامه‌های رادیو ورزش و اخبار شبکه‌های رادیویی را پیگیری می‌کند، خاطر نشان می‌کند: مخاطبان با توجه به مهم‌ترین کارکرد رادیو که اطلاع‌رسانی است و با توجه به علاقه و ذائقه خود، شبکه مورد نظرشان را انتخاب می‌کنند.

از آنجا که من به حوزه ورزشی علاقه‌مندم، رادیوی مورد علاقه من هم رادیو ورزش است و همیشه پیگیر اخبارش هستم.

کاشانی این که برگزاری چنین جشنواره‌هایی را مفید ارزیابی می‌کند، می‌افزاید: در برگزاری جشنواره‌ها، بویژه جشنواره‌ای که بر پایه ارتقای کیفیت، افزایش سطح برنامه‌سازی و رقابت سالم برگزار می‌شود، فی‌نفسه ارزشمند و قابل قدرانی است؛ چرا که مخاطبان آن مردم و به صورت فراگیر و همگانی شنونده برنامه‌ها هستند.

از طرفی دیگر برنامه‌سازان مطلع می‌شوند کارها و برنامه‌های آنها در چه سطحی قرار دارد و دستگاه‌های نظارتی و مردم، چه دیدگاه و نظری نسبت به برنامه‌شان دارند تا برنامه‌های خود را مطابق آن تولید کنند تا موجب رضایت بیشتر مردم شود.

این عضو شورای شهر چهارم معتقد است، رادیو در خیلی از بخش‌ها سنگ تمام گذاشته و بر حسب ذائقه مخاطبان خود، برنامه‌های متنوع و متعددی را تولید و پخش کرده است.

وی در ادامه می‌افزاید: اگر برنامه‌ها را در حوزه ادبیات داستانی افزایش دهند، همچون پخش قصه‌های حمید عاملی در سال‌های گذشته یا داستان‌هایی که روایت جنگ و خاطرات رزمندگان و آزاده‌هاست، به‌نظر من برای قدیمی‌ها و البته جوانان مثرم‌تر است و می‌تواند مخاطبان خاص خودش را داشته باشد.

خروجی جشنواره سیزدهم بر ایمن مهم باشد

دکتر محمدحسین قربانی معتقد است برگزاری سیزدهمین جشنواره بین‌المللی رادیو کار بسیار ارزشمندی است به شرط این که فقط به دور نشستن‌ها اکتفا نکنیم و خروجی جشنواره برایمان مهم و با اهمیت باشد.

سخنگوی کمیته بهداشت مجلس شورای اسلامی با بیان این مطلب می‌افزاید: باوجود فراز و فرودهایی که در رسانه ملی داریم، در بخش شبکه‌های رادیویی شاهد گام‌های خوبی همچون تأسیس شبکه‌های رادیویی در حوزه‌های مختلف همچون سلامت، تهران، آوا، فصلی، ایران، کتاب و... هستیم که همین موضوع به افزایش مخاطبان این رسانه شنیداری منجر شده است.

وی ادامه می‌دهد: رسانه ملی بویژه شبکه‌های رادیویی تا امروز گام‌های بلند و موثری برداشته که در حوزه‌های مختلف با برقرار کردن ارتباط با مسئولان، پژوهشگران و پخش گزارش‌های مردمی سبب ایجاد تعامل و برقراری ارتباط دو سویه مسئولان و مردم شده است.

قربانی خاطر نشان می‌کند: شبکه‌های رادیویی هر چقدر بتوانند علم، دانش و آگاهی مردم را از طریق برنامه‌سازی‌های تخصصی افزایش دهند، می‌توانند در کاهش هزینه‌های جامعه و توسعه پایدار کشور نقش بسزایی داشته باشند.

وی با بیان این که کارهای خوبی در شبکه‌های رادیویی انجام گرفته است، اما کافی نیست، تصریح می‌کند: رادیو به سبب اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی تاثیرگذار است. از این رو هر چقدر بتوانیم از طریق رسانه‌های دیداری و شنیداری آگاهی مخاطبان را بالا ببریم به توسعه و پیشرفت جامعه کمک کردیم و در این زمینه هر میزان هزینه کنیم ضرر نکرده‌ایم.

قربانی در ادامه می‌افزاید: جا دارد از رسانه ملی بویژه شبکه‌های رادیویی سلامت به دلیل حضور پر رنگ در حوزه سلامت تقدیر کنم و امیدوارم با برنامه‌ریزی و تعامل بیشتر با سازمان‌ها و مسئولان بتوانیم به سلامت جامعه دست یابیم.

سخنگوی کمیته بهداشت مجلس، برگزاری سیزدهمین جشنواره بین‌المللی رادیو و پنجمین اجلاس جهانی صدا در ایران را اقدام بسیار ارزشمندی دانسته، می‌گوید: برگزاری جشنواره کار بسیار ارزشمندی است به شرط این که فقط به دور نشستن‌ها اکتفا نکنیم و خروجی جشنواره برایمان مهم و با اهمیت باشد.

رسانه ملی به‌عنوان آنالیزکننده، جشنواره را رصد و خروجی آن را مشاهده کند. سیزدهمین جشنواره بین‌المللی رادیو و پنجمین اجلاس جهانی صدا لازم و ضروری است به شرط این که خروجی داشته باشد، در غیر این صورت موثر نخواهد بود.



ما با رادیو بزرگ شده ایم



عبدالرضا اکبری، بازیگر سینما و تلویزیون جشنواره رادیو را فرصتی برای شناسایی و کشف نقاط قوت و ضعف در این رسانه می‌داند و می‌گوید: رادیو رسانه‌ای شریف، سالم و مورد احترام برای همه اقشار جامعه است. اکبری با اشاره به این که رادیو یکی از رسانه‌های مورد توجه اوست، تصریح می‌کند: به نظر من رادیو یکی از رسانه‌هایی است که به نوعی همه مردم با آن خاطره دارند، نوستالژی خاصی دارد. کودکی من و نسل من هم با این رسانه شکل گرفته است و ما با رادیو بزرگ شده ایم. بسیاری از لحظه‌هایمان با برنامه‌های شاد، سرگرم‌کننده و قصه‌های شنیدنی رادیو سپری شده است. الان هم رادیو یکی از اصلی‌ترین رسانه‌هایی است که برنامه‌های آن را دنبال می‌کنم و هنگام رانندگی همیشه رادیو گوش می‌دهم.

اکبری درباره کار کردها و دستاوردهایی که برگزاری جشنواره رادیو به دنبال دارد، می‌گوید: رادیو در هفتاد و پنج سالگی خود همچنان به فعالیت ادامه می‌دهد و رسانه‌ای مورد احترام برای همه اقشار مردم است.

رادیو را همه مردم دوست دارند. بویژه هنرمندان که هریک به نوعی در این رسانه صدایشان را ارزیابی کردند و همین یکی از ویژگی‌های ارزشمند رادیوست که امکان تجربه‌اندوزی را برای بسیاری از افراد فراهم می‌کند. این بازیگر شناخته شده حوزه سینما و تلویزیون می‌افزاید: رادیو یادآور صدا و هنرمندی عزیزانی است که کار خود را با این رسانه آغاز کرده‌اند. من خودم تا به حال تجربه کار در رادیو نداشته‌ام و معمولاً به‌عنوان مهمان به برنامه‌های رادیویی دعوت می‌شوم، اما سال‌هایی نه‌چندان دور شش ماهی به‌عنوان بازیگر در نمایشنامه‌های رادیویی ایفای نقش می‌کردم و تجربه بسیار خوبی برای من بود. آن زمان کاملاً حس کردم انتقال حال و هوای داستان فقط و فقط از طریق صدا کار بسیار دشواری است. البته خود من به نمایش و تصویر علاقه بیشتری دارم و دوست دارم تحرک و پویایی در بازی بازیگر دیده شود.

اکبری درباره برگزاری جشنواره رادیو هم می‌گوید: جشنواره رادیو فرصتی را فراهم می‌کند تا همه دست‌اندرکاران و کسانی که در طول سال‌های فعالیت رادیو برای آن زحمت کشیده‌اند مورد تقدیر قرار بگیرند. همچنین فضایی برای شناسایی نقاط ضعف و قوت ایجاد می‌شود. تنوع در برنامه به چشم می‌آید و کارکردهای بسیار دیگری را هم می‌توان به این جشنواره‌ها نسبت داد.

کار رادیویی دشوار است



حسن جوهرچی برگزاری جشنواره رادیو بر پایه اطلاعات و آمارهای مخاطبان را یکی از راهکارهای موفقیت این رسانه ارزیابی می‌کند و می‌افزاید: هر جشنواره‌ای برای این برگزار می‌شود تا دست‌اندرکاران پروژه‌ها را تشویق و از آنها قدردانی کند.

این اتفاق مثبت و مطلوبی است، اما به شرط آن که بر پایه یکسری اطلاعات و آمارهای دقیق برنامه‌ریزی شود. برای مثال درباره رادیو برنامه‌هایی که از نگاه مردم مورد استقبال قرار گرفته‌اند، مورد توجه قرار گیرد.

وی می‌افزاید: خوشبختانه رادیو در بین ایرانیان طرفداران زیادی دارد و من می‌بینم که شبکه‌های رادیویی مختلف از جمله رادیو پیام و بویژه رادیو جوان عملکرد خیلی خوبی دارند. به نظر من همین که یک شبکه رادیویی موفق شود قشر جوان را به خود جذب و او را با برنامه‌هایش همراه کند، موفق عمل کرده است. همچنین ورزش هم پوشش خبری خوبی از مسابقات مختلف دارد و سعی می‌کند همه رویدادهای مهم حوزه ورزش را اطلاع‌رسانی کند.

جوهرچی با اشاره به این که هیچ وقت تجربه کار در رادیو نداشته است، می‌گوید: من در رادیو کار نکرده‌ام و خودم را رادیویی نمی‌دانم. به نظر من گویندگی و سایر حرفه‌های رادیویی بسیار سخت و دشوار است و برای همه دوستان خوبم در رادیو آرزوی موفقیت‌های روزافزون دارم. یکی از کسانی که در رادیو برای من بسیار قابل احترامند، آقای محمد صالح اعلائی نازنین هستند و من معمولاً سعی می‌کنم که برنامه‌های ایشان در رادیو پیام را از دست ندهم. خوشحالم که در این رسانه کسانی مانند ایشان فعالیت می‌کنند.

جشنواره رادیو جستجوگرانه است



پیروز ارجمند، آهنگساز کشورمان با اشاره به خاطره خوب رادیو در اذهان مردم گفت، رادیو رسانه‌ای بسیار قدیمی است که به نظر من مکنونات قلبی هر قصه، داستان و شخصیتی از صدا و توانایی‌های آن را که خارج می‌شود به سمع شنوندگانش می‌رساند. ارجمند درباره ویژگی‌های رادیو هم گفت: کار در رادیو مشکل است. به نظر من کار در رادیو از تئاتر، سینما و تلویزیون خیلی سخت‌تر است و کسانی که کوشش می‌کنند از طریق صدا در اذهان مردم باشند، کار مهمی انجام می‌دهند. به دست آوردن قلب‌ها از راه صدا خیلی سخت‌تر از نگاه و تصویر است.

وی با اشاره به برگزاری جشنواره رادیو گفت: به نظر من، برگزاری چنین جشنواره‌ای خیلی ارزش دارد زیرا جشنواره‌ای است که تقریباً از راه صدا و بیان با مخاطبانش ارتباط برقرار کند. پس باید بسیار دقیق و جستجوگرانه باشد تا خروجی قابل قبولی داشته باشد.

ارجمند افزود: برنامه‌ساز با برنامه‌اش می‌گوید من چگونه می‌اندیشم. این اندیشه و نگرش باید به سمت و سوی برود که جذاب باشد و بتواند ذهنیت شنونده را از راه گوش تصاحب کند. اگر نتواند این کار را بکند، طبیعتاً از مرحله دور می‌افتد. داوران ملاک و زمینه داوریشان باید چنین باشد که ژرفا و بیان اندیشه در نظرشان جلوه‌گری کند.

توقع از رادیو بیشتر است



حجت‌الاسلام حسین شاهمردادی دبیر شورای فرهنگ عمومی معتقد است بروز و ظهور رادیو از سایر رسانه‌ها بیشتر است.

وی خاطر نشان می‌کند: رادیو تقریباً مهم‌ترین دستگاه نسبت به ابلاغ پیام‌های فرهنگی و باز خورد آنها به مسئولان است. رادیو به دلیل این که بروز و ظهورش از همه رسانه‌ها بیشتر است، توقع از آن نیز بیشتر است. خود ما هم از رادیو بیشتر راضی هستیم تا بقیه دستگاه‌ها. بخصوص رادیو فرهنگ که از نظر من یکی از موفق‌ترین شبکه‌های رادیو است و من به آن توجه دارم و از مسئولان نیز تشکر می‌کنم. امیدم به این است که رادیو فرهنگ امسال درباره این مطالب از همه مسئولان بخصوص از شورای انقلاب فرهنگی بیشتر پرسشگر باشد. رادیو می‌تواند این دغدغه‌ها را با پرسشگرانه‌بودن خودش و البته همراه با اخلاق و نقد سازنده جهت‌دهی کند. اگر امسال خبرگزاری‌ها و رادیو وارد معرکه شوند، من فکر می‌کنم مسئولان اهتمامشان در این قضیه بیشتر خواهد شد.

جشنواره رادیو؛ بازشناسی فرصت‌ها



سردار رمضان شریف، مسئول روابط عمومی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درباره توانمندی‌های رادیو می‌گوید: رادیو توانسته است موفقیت بیشتری در جلب و پاسخ به مخاطب و تنوع برنامه‌ها داشته باشد. وی می‌افزاید: اقشار زیادی در جامعه هستند که عملاً قادر نیستند در هر شرایطی با رسانه‌های دیگر ارتباط برقرار کنند، ولی با یک رادیوی کوچک می‌توانند به تمام شبکه‌ها رادیویی دسترسی پیدا کنند.

وی که شنونده برنامه‌های رادیوهای معارف، فرهنگ، پیام، ورزش و آواست، می‌گوید: برنامه‌های رادیویی توانسته است مخاطبان قابل توجهی را با خود همراه سازد.

سردار شریف که مسئول تبلیغات لشکر ۴۱ تارالله در دوران دفاع مقدس بوده، خاطر نشان می‌کند: رادیو رسانه‌ای تاثیرگذار و دارای ظرفیت‌های فوق‌العاده برای ارتباط با مخاطب است. این رسانه در دوران دفاع مقدس، رسانه همراه رزمندگان اسلام بود و برنامه‌های حماسی و تاثیرگذار آن هنوز در حافظه تاریخی ملت ایران در آن مقطع هشت ساله برای ملت ایران خاطره‌انگیز و الهام‌بخش است.

وی می‌افزاید: جشنواره رادیو، فرصت بسیار ارزشمندی است تا با مشارکت و حضور اهالی رادیو، تبادل آراء، نظرات متخصصان، نخبگان و مدیران پیشین و حال به انتقال تجارب و بازشناسی فرصت‌ها و چالش‌های فراروی رادیو پرداخته شود و بستری برای ارتقای کمی و کیفی برنامه‌ها و حضور تاثیرگذار رادیو در محیط رسانه بیش از گذشته فراهم آید.

سردار شریف تاکید می‌کند: معرفی آثار و روش‌های برتر و مدرن، بسط آگاهی و تسلط بر رویکردها و شیوه‌های نوین و همچنین تعامل و همکاری برنامه‌ریزان و تمرکز بر تولید برنامه‌های شادی محور، آگاهی‌بخش و فرهنگ ساز مبتنی بر ارزش‌های دینی، ملی و انقلابی و توجه ویژه به نمایش‌های رادیویی به ارتقای موقعیت و جایگاه رادیو در جامعه رسانه‌ای اهتمام ورزش.

راوی کتاب دا: علاقه من به رادیو از دوران کودکی است



سیده زهرا حسینی راوی کتاب دا می‌گوید علاقه من به رادیو از دوران کودکی است.

وی درباره ارتباطش با رادیو می‌گوید: در کودکی یک رادیوی قدیمی داشتیم که به آن رادیو لامپی می‌گفتم و به آن گوش می‌دادم.

من علاقه به داستان‌های شب داشتم. تا رادیو روشن می‌شد احساس می‌کردم خیلی از این داستان رفته است. من همیشه رادیو را به تلویزیون ترجیح داده‌ام؛ چرا که انسان وقتی به رادیو گوش می‌کند، تمرکزش بیشتر می‌شود، اما تلویزیون این‌طور نیست. آدم نمی‌تواند تمرکز لازم را در خودش ایجاد کند. در رادیو خیلی چیزها گفته می‌شود که این انتقال در تلویزیون انجام نمی‌شود.

برنامه‌های رادیو خیلی خوب است. من خیلی از رادیوها را گوش می‌دهم. رادیو آوا را دوست دارم چون موسیقی‌های خیلی خوبی پخش می‌کند. رادیو ایران و خیلی برنامه‌های دیگری را که از شبکه‌های گوناگون رادیویی پخش می‌شوند هم دوست دارم. وی درباره تاثیر برنامه‌های رادیویی بر مردم می‌گوید: یقیناً رادیو نقش خیلی موثری دارد. پیامی که با رادیو منتقل می‌شود، شاید از طریق کتاب پراحتی منتقل نشود. در کشور ما کتابخوان زیاد است، اما همه کس نمی‌تواند کتاب بخواند. بعضی‌ها گرفتاری و دغدغه‌های خودشان را دارند و فرصت نمی‌کنند. اما در اطراف می‌بینم که خیلی‌ها رادیو گوش می‌کنند. خود من وقتی با همسرم بیرون می‌رویم، یا در ماشین که هستیم، حتماً رادیو را روشن می‌کنیم و از اطلاعاتی که می‌تواند به من نوعی منتقل کند، استفاده می‌کنم.

از جعبه جادویی صدا به جهان رسانه‌ای

سمانه مهرپرور / پژوهشگر حوزه رسانه

از لابه‌لای شلوغی صفحات روزنامه‌ها و کانال‌های تلویزیونی گرفته تا آمد و شد در دنیای مجازی و انواع شبکه‌های اجتماعی و نرم‌افزارهای ارتباطی و عصر پرطمطراق ارتباطات، صدای دلنشین رادیو هنوز زنده است و گوشه‌نواز. محبوبیت رادیو میان کهنسالان و ریش‌سفیدان و به قولی پدربزرگ‌ها هنوز آنقدر به چشم می‌خورد که می‌توان با خیالی راحت از ماندگاری صدا و رادیو دم زد و فرصت را غنیمت شمرد و از تلاش این رسانه برای ماندن و نفس تازه کردن گفت. رادیو رسانه‌ای پویا با قدمتی صد ساله که روزهای آغازین ارتباط با جهان خارج از مرزهای کشور را پر و بال داد و روزگاری همدم مردمانی بود که سایه استبداد روح و جانسان را به انزوا کشیده بود. در این میان این رادیو بود که از احوال دوست و دشمنان این مرز و بوم و مردمان ساده‌اش می‌گفت و این صدا بود که پاورچین پاورچین مقدمات یک انقلاب درخشان را فراهم آورد. رادیو از دیرباز برای مردم جلوه و شکوه دیگری داشت. حتی تلویزیون نتوانست محبوبیت و جایگاه رادیو را کسب کند. از این رو مخاطب رادیو، انس با این رسانه را سرمشق خود قرار داد و تا به امروز این رسانه دوست‌داشتنی رتبه محبوبیتش را حفظ کرده است. رادیو خیال و تصویر ذهنی مخاطب را رشد می‌دهد و به مدد این شاخصه امکان قرابت و صمیمیت با مخاطب را نسبت به دیگر رسانه‌ها افزایش می‌دهد. از این منظر در میان هیاهوی رسانه‌های دیداری و مجازی که سرعت در تصرف چرخه ارتباطی است، نقش و وظیفه رادیو حساس‌تر و دقیق‌تر می‌شود. به این دلیل برگزاری همایش‌ها و اجلاس‌های جهانی می‌تواند افق دید همگان را به این رسانه نوستالژیک و بی‌بدیل وسعت بخشد.



شبکه‌های ملی، استانی، برون مرزی و بخش دانشجویی به دبیرخانه جشنواره رسید که نسبت به جشنواره قبل ۴۰ درصد افزایش داشت.

اجلاس جهانی صدا در پنجمین فراز خود تاکنون تلاش داشته تلقی رادیو به‌عنوان «رسانه رو به افول» یا «رسانه منزوی» را از بین ببرد و بر این نکته تاکید دارد که جهان معاصر ما «رسانه محور» است و رادیو به دلیل ماهیت سهل‌الوصول بودن، امکان کسب مخاطبانی را دارد که رسانه‌های دیگر از نعمت آن بی‌نصیب هستند. پنجمین اجلاس جهانی صدا با دستی پر آمده است تا به تعامل و تبادل اطلاعات در عرصه‌های مختلف رادیویی نائل شود. علی‌اکبر خدابخش، رئیس کمیته اطلاع‌رسانی و تبلیغات سیزدهمین جشنواره رادیو و پنجمین اجلاس جهانی صدا از برگزاری مسابقه وبلاگ‌نویسی رادیویی با عنوان «رادیو نوشت» خبر داد. وی در این باره گفته است: موضوع اصلی این رقابت رادیو، رسانه دیروز، امروز و فرداست و موضوعات فرعی آن شامل معرفی رادیو، معرفی شبکه‌های رادیویی، معرفی برنامه‌ها، وبلاگ و هواداران شبکه‌ها یا برنامه‌ها، پوشش اخبار رادیو و برنامه‌های رادیویی و نقد برنامه‌های رادیویی است.

آنچه به طور قطع می‌توان گفت این که صدا خاموش شدنی نیست و رادیو با وجود وفور رسانه‌هایی که به مدد تصویر و جاذبه‌های الکترونیکی هنوز خودی نشان می‌دهد، جایگاه مشخصی میان مخاطبان دارد. این فرصت، حساسیت‌ها را نسبت به پایداری این رسانه در کپکشان ارتباطی دوچندان می‌کند. به طوری که اصحاب این رسانه را مجاب می‌کند قوای خلاقانه خود را به کار گیرند و برای بسط و گسترش این جایگاه، قدم‌های استوار و موثری را بردارند. رسالت برگزاری اجلاس جهانی صدا نیز دستیابی به قله‌های پیشرفت و تعالی ارتباطی است. در واقع با برگزاری این اجلاس ضمن تبادل با جهان خارج و استفاده از ترفندهای رسانه‌های دیگر کشورها به کشف و شناسایی استعدادها پرداخته و به تولید برنامه‌های نوآورانه و خلاق و بهره‌مندی از تجربیات استادان ارتباطات و رسانه نائل می‌شود. با این مقصود می‌توان بر پایداری رادیو در گستره ارتباطی دلخوش بود.

موفق رادیویی، فضای رقابتی موثری را خلق می‌کنند.

اندر باب جشنواره رادیو

از برگزاری اجلاس جهانی صدا به دوره پنجم رسیده است. این اجلاس طی سال‌های گذشته دستاوردهای گرانبهایی را همراه داشته است. تحول آفرینی در عرصه برنامه‌سازی رادیویی و خلق آثار ماندگار و برنامه‌سازی با نشاط از مهم‌ترین دغدغه‌های برگزاری این اجلاس بوده است. امسال نیز همچون سال‌های گذشته، این جشنواره فرصتی برای یادگیری، شناخت نقاط ضعف خود و نقاط قوت دیگران و انتقال دانش و تجربه دیگران به محیط خودی است. به گفته محمدحسین صوفی، جشنواره امسال رادیو با عنوان بازاندیشی رادیو قصد دارد به ارتقای سطح نظری و علمی رسانه رادیو دست یابد. بیست‌و یکمین و چهارم اردیبهشت رخصتی است برای خلاقان، ایده‌پردازان و علاقه‌مندان رادیو تا به ارسال آثار فاخر رادیویی، مقالات علمی - پژوهشی و تولیدات خود بپردازند. معاون صدا از بررسی ۷۰۰ اثر رسیده به دبیرخانه جشنواره خبر داد و افزود: تا دهم اسفند سال ۹۲، ۷۰۰ اثر رادیویی در بخش‌های مختلف از

مخاطبان بیشتر، خود شاهد این مدعاست. بر این اساس یکی از مهم‌ترین اقدامات اصحاب رادیو، برگزاری اجلاس جهانی صدا با هدف معرفی برترین‌های عرصه برنامه‌سازی رادیو، دستیابی و کشف ایده‌های نو و خلاقانه، تکریم و بزرگداشت برنامه‌سازان رادیو، قدردانی از برگزیدگان، نخبگان، صاحب‌نظران و متفکران رادیو و معرفی توانمندی‌های برنامه‌سازی در شبکه‌های رادیویی است. اجلاس جهانی صدا به‌روشنی گویای این ادعاست که صدا همچنان زنده و پابرجاست و رادیو در میان رسانه‌های دیگر، همچنان یک سر و گردن بالاتر است و حرفی برای گفتن دارد. به گفته دکتر محمدحسین صوفی، معاون صدای جمهوری اسلامی ایران، رادیو رسانه دیرروز، امروز و فرداست. وی معتقد است، رادیو توانسته در سپهر رسانه‌ای ایران و جهان به عنوان رسانه‌ای پویا و فعال در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در حوزه‌های اطلاع‌رسانی، آموزشی، تفریحی و سرگرمی حضور جدی و اثرگذاری داشته باشد. از این منظر پنجمین اجلاس جهانی رادیو، فرصتی برای بروز توانمندی‌ها و خلاقیت اهالی رادیوست که چند روزی دور هم جمع می‌شوند و با معرفی تولیدکنندگان

رادیو همیشه روشن است

بدون شک رادیو مخاطب خود را دارد. حتی با گسترش برق‌آسای رسانه‌های دیداری و فضای مجازی، رادیو عزلت‌نشین نشده و حضور ۱۹ شبکه رادیویی و استفاده از تمام ظرفیت‌های تبلیغاتی در جهت ترویج رادیو و جذب

جشنواره، محفلی برای قدردانی از کارهای خوب است



سرپرست دفتر آموزش و ارتقای سلامت وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی کشور می‌گوید: سیزدهمین جشنواره بین‌المللی رادیو اقدام زیبایی است تا کارهای خوب را شناسایی کند و محفلی است برای این که از آدم‌هایی که کارهای خوبی انجام داده‌اند، قدردانی کنیم. دکتر شهرام رفیعی‌فر با بیان این مطلب می‌افزاید: رسانه خیلی مهم است و رادیو به عنوان رسانه‌ای که دسترسی آن نسبت به تلویزیون آسان‌تر و راحت‌تر است و افراد در همه مناطق کشور و همه مکان‌ها در ماشین محل کار و حتی از طریق تلفن همراه به آن دسترسی دارند، می‌توانند به ما کمک کنند و حرف مردم را به مسئولان و حرف

وی ادامه می‌دهد: شبکه‌های رادیویی باید به توانمند کردن مردم برای سالم زیستن و همکاری متقابل مردم و مسئولان کمک‌کننده باشند که شبکه رادیویی سلامت در این زمینه با برنامه‌سازی‌ها در حوزه‌های سلامت جسم، اجتماعی، روان و... توانسته است موثر عمل کند؛ اما ما باید شعاری داشته باشیم که براساس آن برنامه‌ریزی کرده و به سمت جلو حرکت کنیم. وی با اشاره به برگزاری سیزدهمین جشنواره بین‌المللی رادیو و پنجمین اجلاس جهانی صدا در ایران می‌گوید: جشنواره‌ها اقدام زیبایی است تا کارهای خوب را شناسایی کنیم. جشنواره محفلی است برای این که از آدم‌هایی که کارهای خوبی انجام داده‌اند قدردانی کنیم و الگوهای مثبتی را در اختیار افرادی که می‌خواهند کار انجام دهند، قرار دهیم.

تبادل افکار و فرهنگ در جشنواره

وقتی نام جمشید جم به زبان می‌آید همه یاد ترانه «یار دیستانی» می‌افتند. جم با خواندن این ترانه که هنوز هم از یادها نرفته است، توانست نزد مردم به محبوبیت زیادی دست پیدا کند. او که سال‌ها در رادیو مشغول کار بوده است، رادیو را این گونه معرفی می‌کند: «رادیو سهل‌الوصول‌ترین رسانه‌ای است که از ابتدای راه‌اندازی تاکنون مورد استفاده اقشار مختلف مردم بوده است و شنوندگان بسیار آسان با آن ارتباط برقرار کرده‌اند» و ادامه می‌دهد: رادیو راست‌گوترین رسانه‌ای است که به‌نظم شنوندگان خاص خود را دارد و به عنوان همدم و همراه و مونس لحظه‌های تنهایی افراد مورد استفاده قرار می‌گیرد. معتقدم مخاطبان ما ولی نعمتان ما هستند، زیرا اگر برنامه‌های شنونده و بیننده زیادی نداشته باشند لطمه بزرگی به آن وارد می‌شود و زود سقوط می‌کند.

وی می‌افزاید: به‌نظم برپایی جشنواره‌ها برای رقابت تنگاتنگ بسیار پس‌سنجیده و مناسب است و من به توبه خودم خیلی خوشحالم که چه در گذشته و چه اکنون چنین جشنواره‌هایی برگزار می‌شود، بخصوص اگر بین‌المللی هم باشد سبب تبادل فرهنگی و تبادل افکار با کشورهای دیگر می‌شود و همکاران از چند و چون فعالیت‌های جهانی باخبر می‌شوند.

اطلاع‌رسانی محور برنامه‌های رادیویی است

ابوالفضل قناعتی، عضو کمیسیون عمران شورای اسلامی شهر تهران، در جشنواره بین‌المللی رادیو اطلاع‌رسانی را محور اصلی برنامه‌های رادیویی می‌داند و درباره ویژگی رادیو گفت: من بیشتر اوقات فراغتم را رادیو گوش می‌کنم، بخصوص زمانی که سوار ماشین می‌شوم بخش‌های خبری را دنبال می‌کنم؛ چرا که از این طریق خیلی راحت و سریع اخبار را به صورت مستند دریافت می‌کنم. اخبار همه شبکه‌ها را دنبال می‌کنم؛ از اخبار سراسری گرفته تا رادیو پیام، تهران، ایران و... هر موجی را که



در آن ساعت به اخبار اختصاص داده شده باشد پیگیری می‌کنم. قناعتی در پاسخ به این پرسش که در تولید برنامه‌های رادیویی نیاز کنونی مردم را در چه حوزه‌ای بیشتر احساس می‌کنید، تصریح می‌کند: معتقدم آنچه در جامعه کنونی و با توجه به حضور گسترده رسانه‌ها احساس می‌شود، بحث انعکاس اخبار است. مردم نیاز دارند از آخرین اخبار مطلع شوند. وی درباره جذاب کردن برنامه‌های رادیویی نیز گفت: با توجه به این که مهم‌ترین کارکرد رادیو اطلاع‌رسانی و تمرکز بر بعد سرگرم‌سازی و البته بحث آموزش مخاطبان است، بهتر است جهت جذب مخاطبان تدابیری اندیشیده شود که در کنار مسائل خشک آموزشی، جاذبه و تنوع ایجاد کرد و با انتخاب آهنگ‌ها و موسیقی‌های مجاز و افزایش برنامه‌های طنز بر قشر مخاطبان افزود.

به مناسبت برگزاری سیزدهمین جشنواره بین‌المللی رادیو و پنجمین اجلاس جهانی صدا

رادیو؛ رسانه‌ای با قدمت ۷۴ سال

مریم کریمی

هفتاد و چهار سالگی راه‌اندازی رادیو در ایران بیانگر قدمت و قداست رادیوست؛ رسانه دیروز، امروز و فردا. رسانه‌ای که به علت شنیداری بودن، انس و رفاقتی دیرینه با مخاطبان خود دارد و این ارتباط، بسیار صمیمی و عاطفی است. امروزه نیز با وجود حضور رقابتی قدرتمندی مثل اینترنت، ماهواره و... توانسته است با توجه به ویژگی‌ها و کارکردهایی که دارد همچنان نقش سازنده و تاثیرگذار داشته باشد.

هفتاد و چهار سالگی راه‌اندازی رادیو در ایران و برگزاری سیزدهمین جشنواره بین‌المللی رادیو و پنجمین اجلاس جهانی فرصتی است تا یادی از رسانه دیروز، امروز و فردا شود.

پیام‌رسانی و آموزش، دو وظیفه اصلی هر رسانه است. رسانه برتر، رسانه‌ای است که در این دو مقوله بتواند با کیفیت بهتر و در کمیت‌های بیشتری خدمت‌رسانی کند. رادیو در انتقال پیام مورد نظر می‌تواند در مدت کوتاه اخبار مختلفی را در سطوح ملی و بین‌المللی به مخاطبان انتقال دهد و به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از طریق نمایش، مشاوره و طنز آموزش‌های لازم را به مخاطب خود ارائه کند.

ویژگی‌های منحصر به فرد رادیو و رقابت این رسانه با دیگر وسایل ارتباط جمعی، آن را به سمت تخصصی شدن کشانده است. شبکه‌های تخصصی به مخاطبان این امکان را می‌دهد که براساس نیاز و علاقه خود، از برنامه‌های رادیو بیشتری استفاده را ببرند و از اتلاف وقت جلوگیری کنند. از سوی دیگر، در شبکه تخصصی، موضوع‌های مرتبط با آن به گونه‌ای عمیق و جدی دنبال می‌شود.

نفوذ در اندیشه مخاطب

با توجه به گسترش و فراگیری رادیو و قدرت نفوذش در اذهان، به جرات می‌توان ادعا کرد این رسانه بهتر می‌تواند در خلق و روح و فکر و اندیشه افراد نفوذ کند و آنان را برای یافتن راه درست هدایت و کنترل کند؛ زیرا رادیو با قدرت خاص همه‌گیری که دارد و در همه جا یافت می‌شود، در شخصی کردن و اجتماعی کردن افراد یک جامعه بهتر و گسترده‌تر می‌تواند نقش ایفا کند.

امروزه بیشتر دانشمندان متفق القولند که رادیو بخوبی می‌تواند در یکسان کردن و یکپارچه درآوردن افکار و آگاه کردن مردم به مراتب سریع‌تر از دیگر پدیده‌ها، عمل کند؛ زیرا در یک لحظه می‌تواند هرگونه اطلاعاتی را به‌دورترین نقطه برساند. به همین دلیل آنان معتقدند وظیفه‌ای که به‌عهده رادیوست به مراتب سنگین‌تر و بیشتر از دیگر پدیده‌هاست.

به‌نظر مهم‌ترین محدودیت رادیو در مقایسه با دیگر رسانه‌ها، اتکا بر حس شنوایی و نبود ارتباط تصویری است که حتی می‌توان از این محدودیت به‌عنوان یکی از برتری‌های رادیو در مقایسه با دیگر رسانه‌ها استفاده برد؛ زیرا قوه تخیل را قوت می‌بخشد. از دیگر ویژگی‌های مهم رادیو، انعطاف‌پذیری آن است، به عبارتی برای درک مفاهیم صوتی و استفاده از ابزارهای مثل رادیو، نه تنها زمان خاصی از مخاطب گرفته نمی‌شود، بلکه هنگام پرداختن به کارهای دیگر، می‌توان از آن استفاده کرد.

به‌کارگیری مشارکت مخاطبان، سهولت دریافت برنامه‌های رادیویی یا توانایی برقراری ارتباطی صمیمانه از دیگر ویژگی‌های این رسانه با صلابت و قدیمی است.

برگزاری یک جشنواره پویا

برپایی جشنواره‌های متعدد و برگزاری نشست و کارگاه‌های آموزشی نیز فرصتی است تا برنامه‌سازان



در جهت ارتقای کیفیت برنامه‌های خود بکوشند. سیزدهمین جشنواره بین‌المللی صدا از سوی معاونت صدا سازمان صدا و سیما در قالب‌های مستند، تریبی، گفت‌وگو محور و نمایشی برگزار می‌شود و یکی از جشنواره‌هایی است تا فرصت مناسبی را فراهم آورد که با نزدیک شدن هرچه بیشتر نظرات و ایده‌های کارشناسان فعال این بخش، افق‌های روشن‌تری از افزایش سطح دانش و آگاهی‌های عمومی توسط رادیو پدیدار شود.

بر این اساس است که این دوره از جشنواره با شعار رادیو؛ رسانه دیروز، امروز، فردا برگزار می‌شود. پنجمین اجلاس جهانی صدا امسال نیز با عنوان بازاندیشی رادیو برپا خواهد شد. چنان که محمدحسین صوفی، معاون صدا هدف از برگزاری جشنواره را کشف استعدادها و جدید در حوزه تولید برنامه‌های رادیویی، معرفی و تجلیل از چهره‌های شاخص و برتر در عرصه تولیدات رادیویی، حمایت از ایده‌های نو و ایجاد خلاقیت و ابتکار هرچه بیشتر در فرم و محتوای برنامه‌های رادیویی دانسته و مهم‌ترین اهداف اجلاس جهانی را ارتقای سطح نظری و عملی رادیو عنوان کرده بود. وی معتقد است باید از نظرات، دیدگاه‌ها، اکتشافات متخصصان و نخبگان هم استفاده شود.

موضوعات سیزدهمین جشنواره بین‌المللی صدا عبارت از نماز و نیایش، انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، سبک زندگی اسلامی - ایرانی، علم و فناوری، اقتصاد مقاومتی، کتاب و کتابخوانی، طنز رادیویی، خانواده و سیاست‌های توسعه جمعیت و محیط‌زیست است که بر

مبنای موضوعات روز و دغدغه این روزها انتخاب شده تا راهکاری برای دست یافتن به دستاوردها و توانمندی‌های جدید شود. همچنین در برشمردن ملاحظات داورانی آثار ارسالی به این جشنواره، به انتخاب هدف و تناسب آن با مخاطب هدف، جذابیت موضوع و موفقیت در انتقال پیام؛ اصالت محتوا، نوآوری و خلاقیت در شیوه ارائه و ساختار، تکنیک برنامه‌سازی، پرداخت هنرمندانه برنامه و توجه به نشانه‌شناسی برنامه‌سازی رادیویی و کیفیت مناسب فنی اشاره شده است.

حتی برای اولین بار بخش دانشجویی که هنرجویان دانشکده صدا و سیما هستند، به این جشنواره اضافه شده است و کشورهای چین، کره جنوبی، عراق، اسلوانی، اسلواکی، هند، سریلانکا، فرانسه، رومانی، ایرلند، اکراین، مقدونیه، آفریقای جنوبی، افغانستان، صربستان و لهستان در این اجلاس شرکت دارند و آثار خود را به دست دبیرخانه جشنواره رسانند.

جشنواره بین‌المللی رادیو و اجلاس جهانی صدا با حضور شبکه‌های رادیویی بین‌المللی و داخلی و با همکاری و مشارکت پژوهشگران دانشگاهی ایران و بخش رادیویی اتحادیه رادیو و تلویزیون‌های آسیا و اقیانوسیه (ABU) هر سال برگزار می‌شود و فرصتی برای افزایش و گسترش دانش برنامه‌سازان داخلی و خارجی است.

سیزدهمین جشنواره بین‌المللی رادیو و پنجمین اجلاس جهانی صدا بیستم تا بیست و دوم اردیبهشت در سالن همایش‌های سازمان صدا و سیما برگزار می‌شود.

رادیو و همگرایی رسانه

مطهره آخوندی / پژوهشگر رسانه

دنیای مدرن امروزی که عصر همگرایی رسانه‌هاست، جدایی تولیدات رسانه‌ای مانند دهه ۵۰ و اثرات آنها را بسادگی بر نمی‌تابد.

اگر روزی شاعر می‌گفت، تنها صداست که می‌ماند، امروز باید گفت تنها پیام است که می‌ماند؛ پیامی که در هر قالب رسانه‌ای تولید شده است بسادگی در مواجهه با فضای مجازی دست به دست می‌چرخد و تداوم می‌یابد. پیام دیگر مانند قدیم «میرا» نیست و تنها در اختیار مالکان رسانه ثبت و ضبط نمی‌شود؛ بلکه دسترسی مخاطب به محتوای پخش شده - و حتی در جایی محتوای روی آنتن نرفته - بسیار آسان و تنها با چند کلیک قابل دریافت است.

دیگر لازم نیست مخاطب سر ساعت خاصی، پیچ رادیوی خود را روی شبکه خاصی تنظیم کند تا برنامه مورد علاقه خود را بشنود و در حسرت داشتن صدای مجری یا کارشناس برنامه باشد. «پادکست» برنامه رادیویی ساعتی بعد روی سایت شبکه قرار می‌گیرد که هم می‌توان آن‌لاین به آن گوش سپرد یا با ذخیره فایل صوتی در زمانی دیگر و در تلفن همراه یا پخش‌کننده موزیک شخصی آن را در ساعات دیگر شنید. همچنین می‌توان براحتی به قسمت مورد نظر برنامه رفت و چند باره آن را شنید. علاوه بر این، تصاویر پشت صحنه برنامه رادیویی را نیز در سایت دید و در حافظه بصری - به جای آن که از روی صدا برای افراد تجسمی تخیلی ساخت - تصاویر واقعی ایشان را در ذهن ثبت کرد.

رادیو ابتدا به عنوان موثرترین رسانه ظهور کرد و در طول تاریخ، با ظهور دیگر رسانه‌ها به فعالیت خود و با مخاطبان خود ادامه داد. ظهور اینترنت شاید ابتدا حیرتی عظیم از تحولات شگرف را پدید آورد؛ به گونه‌ای که مرگ و افول دیگر رسانه‌ها و مخاطبان در پیش‌بینی کارشناسان رقم خورد، اما در واقع آنچه رخ داد همگرایی رسانه‌ها و چندبعدی شدن تولیدات رسانه‌ای بود؛ جایی که رادیو را به دلیل رسانه کور بودن و تعاملی نبودن با تهدید بیشتری روبه‌رو بود.

با این حال رادیو در طول این فراز و نشیب‌ها توانسته مخاطبان وفادار خود را حفظ کند. گوش سپردن به رادیو دیگر تنها محدود به وسیله رادیو ترانزیستوری نیست؛ بلکه در گوشی‌های تلفن همراه این قابلیت قرار دارد آن هم بدون آن که دنبال آنتن یا دستگاهی خاص باشیم، می‌توانیم در هر جا و هر لحظه به رادیو گوش بسپاریم. فارغ از گوشی‌های همراه که اینک در دستان همه یافت می‌شود، اقبال به استفاده از شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های نوین و وجود سایت‌های مستقل شبکه‌ها و همچنین سایت‌هایی که به صورت خودجوش و هوادار محور پادکست‌های خاص برنامه‌های پراقبال رادیو را بارگذاری می‌کنند، با یک جستجوی ساده اینترنتی می‌توان به محتوای تولیدی رادیو دسترسی داشته و در تعامل با دیگر کاربران شبکه‌های اجتماعی در گروه‌های هواداری درباره محتوای آن بحث و تولید محتوا کرد. فصل شکوفایی رسانه‌ها - در ادغام با فضاهای تعاملی اینترنت - آرام‌آرام از راه می‌رسد، به طوری که شبکه‌های رادیویی و باشگاه مخاطبان سعی کرده‌اند در این زمینه گوی سبقت را از هم بربایند. واقعیت این است که رادیو، دیگر رادیوی گذشته نیست؛ بلکه وسعت صدای خود را در فضای مجازی و با فناوری‌های نوین رسانه‌ای گسترانیده است.



شخصیت خنثی در نقش اصلی

«تفنگدار تنها» آخرین ساخته سینمایی گور وریبسنسکی، فیلمی متفاوت از کارهای قبلی اوست. او که با کارگردانی نسخه انگلیسی زبان فیلم ترسناک ژاپنی «حلقه / زنگ تلفن» به صورت یکی از فیلمسازان صاحب سبک و سرشناس سینما درآمد، چند سالی است با جانی دپ به صورت یک تیم دو نفره درآمده است و فیلم‌های خود را با همکاری این بازیگر مولف می‌سازد.

تفنگدار تنها پنجمین همکاری مشترک این دو پس از مجموعه فیلم سه قسمتی «دزدان دریایی کارائیب» و انیمیشن کامپیوتری «رانگو» به حساب می‌آید. تفاوت اصلی اکشن شرح حال گونه تفنگدار تنها با ساخته‌های قبلی وریبسنسکی در این است که نه منتقدان سینمایی آن را پسندیدند و نه تماشاگران سینما آن را تحویل گرفتند.

منتقدان سینمایی از یک سو زمان فیلم را بیش از حد طولانی ارزیابی کردند و از سوی دیگر گفتند شخصیت اصلی قصه و ماجرا (یعنی تفنگدار تنها) آدمی خنثی است و در طول قصه فیلم، کاری انجام نمی‌دهد.

واقعیت امر این است که بازی جانی دپ در نقش شخصیت توتوتوی سرخپوست، صحنه را از دست آرنی هامر جوان و تازه‌وارد می‌رباید و اوست که حرف اول و اصلی را در دل ماجراها می‌زند. این در حالی است که نام فیلم برگرفته از شخصیتی است که آرنی هامر نقش آن را بازی می‌کند و ظاهراً قرار است او تعیین‌کننده اصلی اتفاقات و ماجراهای قصه باشد.

ساخت و نمایش عمومی تفنگدار تنها با حرف و حدیث‌های زیادی همراه بود. در ابتدای امر قرار نبود زمان فیلم طولانی باشد و وریبسنسکی در اتاق تدوین متوجه طولانی بودن زمان آن می‌شود. برای تولید فیلم هزینه‌های صد میلییون دلاری در نظر گرفته شده بود، ولی در زمان تدوین آن گفته شد ۲۱۵ میلیون دلار صرف ساخت آن شده است. مسئولان کمپانی والت دیزنی (که تهیه‌کننده اصلی فیلم بودند) نسبت به این موضوع ابراز نارضایتی کردند. نگرانی آنها این بود که سرنوشت «کارتر مریخی» با بازی تیلور کیچ برای تفنگدار تنها هم اتفاق بیفتد. این فیلم با هزینه تولید بالای ۲۵۰ میلیون دلاری خود در سال ۲۰۱۲ فقط ۷۳ میلیون دلار در آمریکای شمالی فروش کرد و لقب یک کار ناموفق را گرفت. اتفاقاً همین اتفاق برای تفنگدار تنها هم رخ داد. فروش فیلم در جدول گیشه نمایش سینماهای آمریکای شمالی حدود ۹۰ میلیون دلار شد و شکست سخت تجاری دیگری را برای کمپانی والت دیزنی رقم زد. نکته جالب این که منتقدان و تحلیلگران اقتصادی سینما در تحلیل‌های اقتصادی خود در ابتدای سال ۲۰۱۳ از تفنگدار تنها به‌عنوان یکی از محصولات اسم بردند که مورد پسند و استقبال تماشاگران سینما قرار نخواهد گرفت و در زمان نمایش عمومی خود با شکست تجاری همراه خواهد شد.



گفت‌وگو با جانی دپ، بازیگر «تفنگدار تنها»

طرفدار صلح هستم

جانی دپ در هر نقش سینمایی خود تلاش دارد چهره و شخصیت متفاوت و تازه‌ای ارائه دهد. «تفنگدار تنها» را هم باید در همین ارتباط مورد بحث قرار داد. او در این درام فانتزی و اکشن شرح حال گونه در نقش یک بومی آمریکایی به نام توتوتوی بازی کرده است. او یک شخصیت قدیمی قصه‌های کلاسیک آمریکاست که قبل از این، از سوی بازیگران دیگری هم به تصویر کشیده شده است. تفاوت توتوتوی جانی دپ با قبلی‌ها در این است که این بازیگر پنجاه و یک ساله سینما، تصویری غمخوار و دلسوزانه از این سرخپوست ماجراجوی کهن آمریکایی ارائه داده است. جانی دپ از مدت‌ها قبل به دنبال بازی در نقش این شخصیت بود و این نکته را در گفت‌وگوی اینترنتی زیر توضیح می‌دهد.

در یک دهه اخیر، دپ با بازی در نقش کاپیتان جک اسپارو در فیلم چهار قسمتی اکشن و ماجراجویانه «دزدان دریایی کارائیب»، یکی از مطرح‌ترین چهره‌های روز سینما بوده است. وی برای قسمت سوم این فیلم هم نامزد دریافت جایزه اسکار شد. تفنگدار تنها او در ایام تعطیلات نوروز از تلویزیون بخش شد. شبکه نمایش، هفته قبل دوباره این فیلم را نمایش داد.

امپایر / مترجم: کیکاووس زبیری

قصه فیلم با دوران پیری شما شروع می‌شود. دیدن خودتان در آن گریم سنگین چگونه بود. فکر می‌کنید در دوران پیری چنین چهره‌ای داشته باشید؟

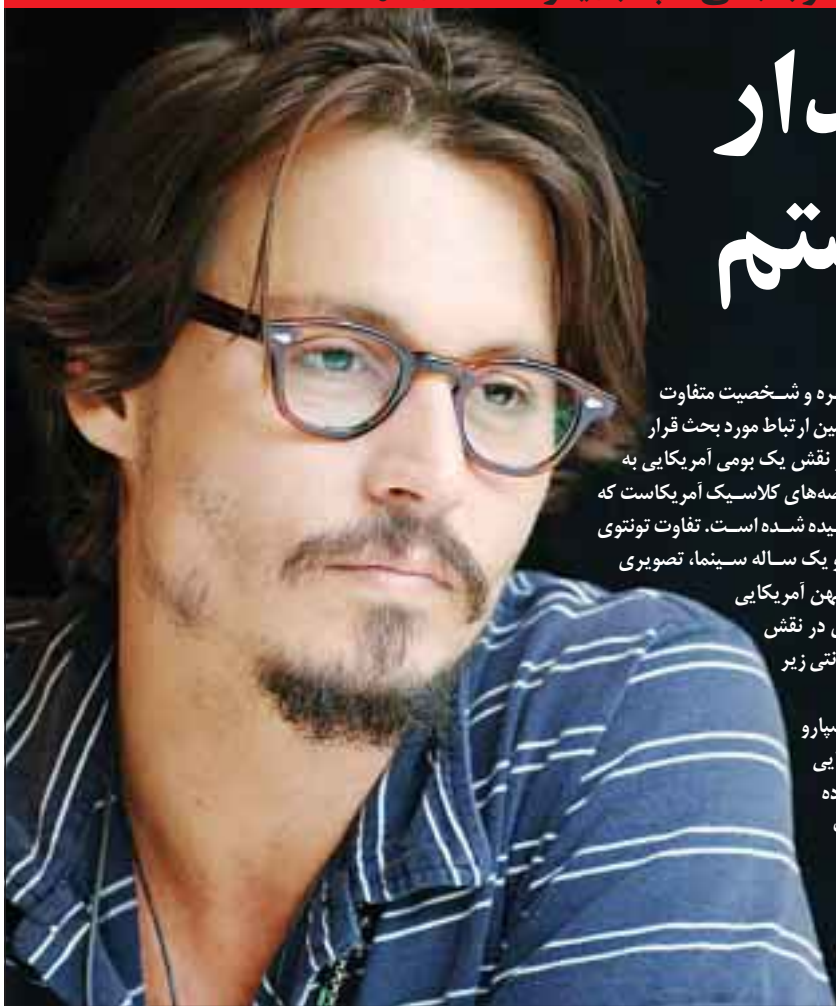
در رابطه با موضوع پیری، من پدربزرگ‌های خودم را دیده‌ام. یکی از آنها، خیلی شبیه سرخپوست‌ها شده بود. فکر می‌کنم اجدادش سرخپوست بودند. او هم کلاهی به سرش می‌گذاشت که یک نوعی پر یا چپق روی آن بود. همین موضوع به من ایده مربوط به پیر شدنم را جلوی دوربین داد و احساس کردم گریم چهره‌ام باید شبیه او باشد. جوتل هارلو، مسئول چهره‌پردازی فیلم خیلی خوب فهمید چه می‌گویم و چه می‌خواهم. او همان کاری را کرد که باید انجام می‌داد.

بازی کردن در نقش یک بومی آمریکایی چه چیزهایی در خود داشت که سال‌ها به دنبال بازی در آن بودید؟

خب می‌دانید، برای سال‌ها چیزهای مختلفی درباره بومی‌های آمریکا از پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌هایم شنیده بودم. دوستان آنها هم خیلی در این باره صحبت می‌کردند. مارلون براندو هم که بازیگر مورد علاقه‌ام است، از آنها حرف زده و دفاع کرده بود. در فیلم‌های زیادی، بومیان آمریکایی به صورت موجوداتی وحشی و خبیث به تصویر کشیده شده بودند. برایم اهمیت زیادی داشت که یک نما و برداشت خوب از این آدم‌ها نشان دهم. خواستم بگویم به این شیوه هم می‌توان به آنها نزدیک شد و نگاهشان کرد.

آیا خودتان را آدمی خارجی و غیرآمریکایی می‌دانید و آیا چپق هم می‌کشید؟

چپق نمی‌کنم. طرفدار صلح و آرامش هستم. در زندگی واقعی‌ام به دنبال آن نیستم که به شما ستمی از چیزی ارائه کنم. هر قومی برای خودش فرهنگ و اعتقاداتی دارد و باید به آنها احترام گذاشت. شما نمی‌توانید بدون درک درست فرهنگ اقوام و نژادهای دیگر، با آنها ارتباط برقرار کنید. این موضوع درباره سرخپوستان هم صدق می‌کند. اگر می‌خواهید از سوی قومی مورد پذیرش قرار بگیرید، باید فرهنگ آنها را شناخته و به آن احترام بگذارید.



تلاش دارید چه پیامی را به تماشاگران جوانی با تفنگدار تنها و وسترن‌ها آشنایی ندارند، منتقل کنید؟ فیلم وسترن مورد علاقه‌تان کدام است و چرا؟ ای وای، پرسش سختی است! فیلم‌های وسترن خیلی زیادی ساخته شده است و باید ادعان کنم تعدادی از آنها را ندیده‌ام، اما فکر می‌کنم جیم جارموش در این رابطه کار بسیار خوبی انجام داد و یک شعر حماسی در ژانر وسترن خلق کرد و سرود.

منظورم «مرد مرده» محصول سال ۱۹۹۵ است. او توانایی خیلی خوبی در کارگردانی فیلمی در ژانر وسترن را دارد. در رابطه با بخش اول پرسش‌تان هم باید بگویم تلاش ما در زمان ساخت تفنگدار تنها این بود که با بهره‌گیری از کلیشه‌های رایج و آشنا برای عموم تماشاگران، شرایط و زندگی بومیان آمریکا را به شکلی درست و صادقانه به تصویر بکشیم.

کار ما شبیه یک حیل (آن هم به شکل خاص و غیرمعمول) بود تا تماشاگران را به دنیای سرخپوستان ببریم و آنها را با نوع متفاوت و دیگری از فیلم و سینما آشنا کنیم. به همین دلیل، بازی در نقش شخصیت توتوتو یک جورهایی حیل‌گرانه و حقه‌بازانه بود. با بازی‌ام می‌خواستم این نکته را برسانم که بومیان آمریکا اگر خشونت می‌کردند، دلیل موجهی برای آن داشتند. کریستف کلمب مسیر خودش را اشتباه رفت و وقتی به خشکی رسید، رفتار مناسبی با سرخپوست‌ها نداشت. این تاریخ ماست و نمی‌توانیم از آن فرار کنیم. این تاریخ تلخ است و ما مجبوریم با آن رودررو شویم.

تفنگدار تنها از کدام منابع تاریخی بهره گرفت و کدام وجه توتوتو را بیشتر دوست دارید؟

از وقتی بچه کوچکی بودم و مجموعه‌های تلویزیونی را تماشا می‌کردم، تفنگدار تنها را به یاد می‌آورم. یک مجموعه سیاه و سفید تلویزیونی با بازی کلایتون مور و جی سیلور هیلز بزرگ بود. در دوران نوجوانی، همیشه فکر می‌کردم توتوتو باید یک آدم صمیمی و یار همدم باشد. فکر می‌کردم به کمک او می‌توان درست را از غلط تشخیص داد. حس شخصی‌ام این بود که چقدر خوب است شخصیت تفنگدار تنها از سوی توتوتو شکل می‌گیرد. او به شکلی شاعرانه به تفنگدار تنها هویتی تازه داده و او را دوباره خلق کرده است.

قبل از بازی در فیلم بومیان زیادی را ملاقات کردید و چیزهای زیادی درباره فرهنگشان یاد گرفتید. در بین این آموخته‌ها، کدام یک بیشتر از بقیه در ذهنتان ماند؟ چیزهای زیادی یاد گرفتم، چیزهایی که آنها نسل به نسل به یکدیگر منتقل کرده‌اند. همین انتقال فرهنگ و دانسته‌ها بوده که آنها را سرپا نگه داشته و به آنها هویت داده است. آنها سخت مراقب میراث فرهنگی و قومی خود هستند و تلاش دارند زبانشان را زنده نگه دارند. چیزی که از آنها یاد گرفتم این است که جنگاوران و سلحشوران خوبی هستند. هنوز هم همان روحیه جنگاوری گذشته را حفظ کرده‌اند. آنها اگر مسیر خود را کمی اشتباه بروند، باز هم سلحشور هستند. از این نظر، آنها آدم‌های فوق‌العاده‌ای به حساب می‌آیند.

هنوز هم تحت تاثیر این نوع رفتار آنها هستید؟ من همیشه تحت تاثیر چیزهایی قرار دارم که به نوعی مرا مجذوب خود می‌کند. شما نمی‌توانید از تاثیر چیزهایی که تحت تاثیرتان قرار می‌دهند فرار کنید. باورم این است اگر کنجکاوی خود نسبت به دنیای پیرامون را از دست بدهید، دیگر یک موجود زنده نیستید. همین کنجکاوی و حس پرسشگری است که شما را زنده نگه می‌دارد و روحیه‌تان را تازه می‌کند.

نقش جک اسپارو را در مجموعه فیلم دزدان دریایی کارائیب بازی کرده‌اید. در یک مسابقه مرگ در قفس، کدام از دو شخصیت توتوتو و جک اسپارو برنده خواهد شد؟

توتوتو برنده می‌شود. کاپیتان جک اسپارو کمی سیاه و تلخ است. او نمی‌تواند مدت زمان زیادی دوام بیاورد و این موضوع جالبی نیست.

قاب‌تویچک

نظر و پیشنهاد خود را درباره این ضمیمه به نشانی تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر روزنامه جام‌جم یا پست الکترونیکی ghabekoochak@jamejamonline.ir

بفرستید یا به شماره ۳۰۰۱۱۲۲۱ پیامک بزنید.